

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۹۰۲

جمعه ۱۹ دی ۱۳۹۹ - ۸ ژانویه ۲۰۲۱

در سالروز فاجعه شلیک به هواپیمای PS752

آمران و عاملان این جنایت باید معرفی و محاکمه شوند

نزدیک به یک سال از فاجعه کشتار مسافران و خدمه پرواز 752 اوکراینی میگذرد. جنایتکاران و آدمکشان حرفه ای صبح ۱۸ دی ۱۳۹۸ (۸ ژانویه ۲۰۲۰) در ساعت ۱۹:۰۶ هواپیمای مسافربری اوکراینی را با طرح و نقشه قبلی و عامدانه هدف دو موشک قرار دادند و همه ۱۷۶ سرنشین آنرا کشتند. این یکی از سلسله جنایات هولناک جمهوری اسلامی در بیش از چهار دهه حکمرانی در ایران است.

آدمکشی و جنایت رکن اصلی پلاتفرم سیاسی جمهوری اسلامی از آغاز تا امروز بوده است. ترور و کشتار فردی و جمعی فعالین سیاسی و مخالفین در داخل و خارج کشور از همان بدو زمامداری اسلامی، قتل عام زندانیان سیاسی در دهه شصت، قتل های زنجیره ای در داخل و ترور مخالفین در خارج، کشتار مردم معترض در خیابان ها و شلیک مستقیم به قصد کشتن معترضین آبان ۹۸ و کشتار ۱۵۰۰ نفر از آنها از جمله این جنایات است. به این لیست باید جنایات بیشمار دیگری مانند اسیدپاشی به زنان، تحمیل حجاب، شکنجه و اعدام و تعزیرات اسلامی و دزدی های میلیاردی و تحمیل فقر به مردم را نیز اضافه کرد اما



عاملین این جنایت آشکار و هولناک باید به محاکمه کشیده شوند!



در این شماره انترناسیونال:

ترامپ و اکشن فیلم آمریکایی

کاظم نیکخواه - صفحه ۲

رضا قرار ما این نبود

سیامک بهاری - صفحات ۲ و ۳

تبعیض ملی، مسئله زبان و راه حل کمونیسم کارگری

حمید تقوایی - صفحات ۳، ۴ و ۵

تاریخ نگاری کرونا

ژوبین زارع - صفحه ۶

پیشرویه های اجتماعی کمونیسم و کمونیسم سیاسی

حمید صداقت - صفحات ۶ و ۷

در حمایت از بیانیه آزادی

صفحه ۸

از مدیای اجتماعی

صفحات ۸ و ۹

اطلاعیه های حزب

صفحات ۹، ۱۰، ۱۱ و ۱۲

انتخابات هیات اجرایی حزب

صفحه ۱۳

که به این مناسبت برگزار میشود فعالانه شرکت کنند و خواستار محاکمه آمران و عاملان این جنایت شوند. جمهوری اسلامی باید بدلیل این جنایت و جنایات بیشمار دیگر در سطح جهانی بایکوت و طرد و منزوی بشود.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۶ دی ۱۳۹۹، ۵

ژانویه ۲۰۲۱

بار دیگر همدردی خود را با بازماندگان قربانیان این جنایت اعلام میدارد. قلب ما با خانواده ها و عزیزان و بازماندگان این جنایت است. حزب از تلاش های انجمن خانواده های بازماندگان پرواز 752 حمایت میکند و به همراه آنها از همه مردم ایران میخواهد در سالروز این فاجعه به یاد عزیزان جانباخته شمع روشن کنند، در مراسم هایی

در تصمیم گیری و اجرای این جنایت شریک بودند نشدند. اما تردیدی در این نیست که علاوه بر فرماندهان سپاه مانند سلامی، شخصی خامنه ای نیز در جریان این تصمیم بوده و با آن موافقت کرده است. چنین تصمیمی بدون دخالت او گرفته نشده است. حزب کمونیست کارگری ایران در سالروز این واقعه هولناک

چنان روشن بود که حکومت را قدم به قدم عقب نشانند و نهایتا پس از سه روز اعتراف کردند که سپاه پاسداران عامل این جنایت بوده است. و از ترس گسترش ابعاد اعتراض مردمی که در سراسر کشور به خشم آمده بودند هر جا توانستند جلو مراسم خانواده ها را گرفتند، آنها را تهدید کردند، از ارائه جعبه سیاه خودداری کردند و حاضر به معرفی مقاماتی که

تصمیم به کشتار مسافران یک هواپیما توسط بالاترین مقامات حکومت و سپاه پاسداران ابعاد جنایتکاری حکومت اسلامی را به جهانیان نشان داد. سران حکومت برای سایر جنایات خود همیشه توجیهاتی سر هم کرده اند اما کشتار جمعی سرنشینان یک هواپیما مسافربری یک جنایت آشکار و غیر قابل توجیه است. سه روز به مردم ایران و جهان دروغ گفتند اما شواهد



سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی

ترامپ و اکشن فیلم آمریکائی!

کاظم نیکخواه



دیشب (چهارشنبه شب ششم ژانویه) صحنه تلویزیون بسیار هیجان انگیز و میخکوب کننده بود عینا مثل این بود که یک فیلم بسیار جالب و نادر و بسیار سرگرم کننده برای کل مردم دنیا روی صحنه تلویزیون به نمایش درآمده باشد. هرکس که خبر دار میشد فوراً به دوستانش زنگ میزد که تلویزیون را روشن کن، در آمریکا دارد کودتا میشود. باور کردنی نبود! درست وقتی که مجلس سنا مشغول بررسی نتایج انتخابات ریاست جمهوری آمریکا بود، ناگهان یک عده با کلاههای قرمز نوع ترامپ و بنرها و پلاکاردهای طرفداری از ترامپ به صحنه سنا هجوم آوردند و همه جا را اشغال کردند و سنای آمریکا که بالاترین ارگان قانون گذاری در آمریکاست تعطیل شد و

جماعت اوپاش با سر و صدا و شعار و داد و بیداد همه چیز را بهم ریختند و سناتورها را فراری دادند. این اولین بار در تاریخ آمریکاست که چنین اتفاقی روی میدهد و برآستی باور کردنی نبود. گرچه از مدت‌ها قبل این بحث که ترامپ ممکن است از قدرت کنار نرود و دست به کودتا بزند در رسانه‌ها مطرح بود بعلاوه ترامپ قبلاً به هوادارانش فراخوان داده بود که اجازه ندهند که انتخابات دزدیده شود اما دیروز آن چیزهایی که با نگرانی تصور میشد، بوق پیوست. ساعتها در میان پلیس و مقامات آمریکا حالت بلاتکلیفی و بلاتصمیمی حاکم بود و معلوم بود که نمیدانند چه کنند و اوپاش هم به راحتی به همه سالنها و اتاقها سر زدند و خیلی از وسائل و تجهیزات را از بین بردند و سوزاندند. پلیس و نیروهای امنیتی مستاصل بودند چونکه ترامپ از جماعت اوپاش طرفداری کرده بود و به آنها گفت که من شما را درک میکنم و میدانم که عصبانی هستید که انتخابات دزدیده

شده است اما آرام باشید و به خانه هایتان بروید و من عاشق شماها هستم! وقتی که رئیس جمهور عاشق اوپاش است نمیشود اوپاش را بسادگی مورد حمله قرار داد! بالاخره بعداً فرماندار واشنگتن وضعیت اضطراری اعلام کرد و دستور حمله داد و پلیس وارد شد و با اوپاش طرفدار ترامپ درگیر شد و در جریان درگیریها چهار یا پنج نفر کشته شدند و حدود شصت نفر دستگیر شدند و سنا تخلیه شد.

بعد از چند ساعت سنا مجدداً جلسه تشکیل داد و ریاست جمهوری بایدن را تأیید کرد. سوال اینست که اکنون با ترامپ چه باید کرد و مهمتر اینکه ترامپ با آمریکا چه خواهد کرد؟

ده دوازده روز به دوره ریاست جمهوری ترامپ بیشتر باقی نمانده است. اما اینکه او همین ده دوازده روز هم سرکار باقی بماند برای آمریکا باعث سرشکستگی بیشتر و سرافکنندگی است. به همین دلیل بحث اینست که با استفاده از یک متمم قانون اساسی او را از کار برکنار کنند و معاون او مایک پنس جای او را بگیرد. اما عملی شدن این قانون مشروط به اینست که کابینه ترامپ و خود معاون او مایک پنس از ترامپ سلب مسئولیت کنند و اعلام کنند که او صلاحیت ریاست جمهوری را ندارد. بعید نیست که پنس برای ادامه کار برسی سیاسی خود این گام مهم را بردارد و صف خود را در لحظه آخر از ترامپ جدا کند. در این صورت کار کمی ساده تر میشود. یک راه دیگر هم استیضاح اوست و اعلام عدم صلاحیت او توسط کنگره است. اما این روندی است که طول میکشد و کمکی به حل مساله نخواهد کرد. در هر حال نکته جالب اینست

که ترامپ پدیده جالبی است. چهار سال است دنیا را سرگرم کرده است و این روزهای آخر سطح هیجانات را بالاتر برده است! اما او از آسمان نیامده است. او هرچه هست دیوانه، فاشیست، ضد زن و ضد پناهنده و هرچیز دیگری، محصول سرمایه داری آمریکائی است. دوران او تمام میشود. اما میراث او یعنی اوپاش چرخانی و به میدان آوردن دست راستی‌ها و کلاه قرمزها و کوکلاس کلانها و ارادل، و حاکمیت دروغ و

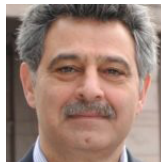
شانناژ، تا مدت‌ها همچنان صحنه سیاسی آمریکا را دستخوش افت و خیز خواهد کرد. این پدیده ای شبیه به تحرک در آمدن خمینی و داعش و بوکوحرام در خاورمیانه است که عملاً پاسخی بود به موقعیت حسیض و پایان جنبش اسلامی. جنایات تکان دهنده خمینی و داعش و دیگر دستجات فاشیست اسلامی قرار بود جنبش اسلامی را از انزوا و حسیض و اضمحلال نجات دهد و برای مدتی هم دنیا را مات و مبهوت کرد و اسلام را به وسط

صحنه سیاست آورد. تا در دور بعد نابودی قطعی تر و ریشه ای تر آنها را رقم بزند. به میدان آوردن اوپاش دست راستی آمریکا هم قرار است آمریکا را از فروافتادن از مقام سروری دنیا نجات دهد. مهم این نیست که عقل سلیم و منطق انسانی در مورد نتایج و عواقب این نوع تحرکات چه حکم میکند. در قاموس فاشیستها و اوپاش کف بر دهان آورده و نیروهای به بن بست رسیده، منطق انسانی و عقل سلیم جایگاه و معنای چندانی ندارد.

صحنه سیاست آورد. تا در دور بعد نابودی قطعی تر و ریشه ای تر آنها را رقم بزند. به میدان آوردن اوپاش دست راستی آمریکا هم قرار است آمریکا را از فروافتادن از مقام سروری دنیا نجات دهد. مهم این نیست که عقل سلیم و منطق انسانی در مورد نتایج و عواقب این نوع تحرکات چه حکم میکند. در قاموس فاشیستها و اوپاش کف بر دهان آورده و نیروهای به بن بست رسیده، منطق انسانی و عقل سلیم جایگاه و معنای چندانی ندارد.

رضا قرار ما این نبود . . .

سیامک بهاری



خبر کوتاه بود! رضا خودکشی کرد. همان رضا که وقتی سیزده ساله بود به‌عنوان کودک کار، نان آور و مرد خانه به شوی تلویزیونی «احسان علیجانی» آورده شد. تا کار حرفه‌ای میلیونها کودک در بازار بیرحم کار، در خیابانها، در ناامن‌ترین اماکن شهرها، در دپوهای زباله، بازیافت در سطل آشغالها، در بازماندن از تحصیل، در بی پناه بودن، کودکی نکردن، محرومیت از بازی و شادی بشود؛ همت عالی!

از رضاها می‌گویم، آشنای همه من و شما، همان میلیونها رضا را می‌گویم که هرگز فرصت نکردند کودکی کنند. رضای سرکوچه، رضای کوره‌های آجرپزی، رضای گل فروش کنار

امروز در کردستان عراق به عینه می بینیم. اساس نقد ما به ناسیونالیسم اینست. تا آنجا که به مساله ستم و تبعیض ملی مربوط میشود "راه حلی" که آنها جلوی مردم می گذارند اتفاقاً تشدید تبعیض ملی است و نه حل آن. امیدوارم که در ادامه این مصاحبه بتوانیم این را بیشتر باز کنیم.

خلیل کیوان: یکی از وجوه این ستمگری مسئله محرومیت از تحصیل به زبان مادری و استفاده از آن در ادارات و در امور فرهنگی و مانند اینهاست. میخواهم از شما بپرسم که تبعیض زبانی و فرهنگی چه تأثیری در زندگی فرد و در اجتماع برای متکلمان به آن زبانها دارد؟ چه تأثیری بر احساس مشترک شان در هم سرنوشتی با کل مردم ساکن کشور دارد؟

حمید تقوایی: به نظر من تبعیض علیه زبان مادری مردمی که به زبانی غیر از زبان رایج در آن جامعه صحبت میکنند یکی از بروزات بسیار مهم ستم و تبعیض ملی است. به خاطر اینکه موضوع صرفاً بر سر تکلم نیست. زبان مادری، زبانی که فرد با آن بزرگ شده و با آن شروع به حرف زدن کرده و با آن زبان با جامعه، با یک فرهنگ، با یک مناسبات، و با یک ادبیات آشنا شده جایگاه ویژه ای در زندگی آن فرد پیدا میکند. جایگاهی متفاوت از زبانهای دیگری که ممکن است بعداً یاد بگیرد.

اجازه بدهید مثالی بزنم. الان خیل عظیمی از ایرانیان به کشورهای مختلف مهاجرت کرده اند و یا پناهنده شده اند. بسیاری از آنان زبان کشور محل سکونت خود را به خوبی یاد گرفته اند و به آن زبان صحبت میکنند. با این حال هنوز با زبان مادری بهتر میتوانند خود را بیان کنند.

جای زبان مادری را هیچ زبان دیگری نمیتواند بگیرد. شما با زبان مادری، فارس یا کردی یا ترکی و یا هر زبان دیگری که با آن شروع به تکلم کرده اید، همیشه بهتر میتوانید احساساتتان را بیان کنید، طنز بکار ببرید یا طعنه بزنید، جوک

سراسر جهان کشور- ملتها ساخته شده و در همه جا طبقه سرمایه دار حاکم است.

اما یک بخش از سرمایه دارها که به خودشان "اقلیت ملی" میگویند هنوز کشور و دولتی ندارند. آنها در جوامع دیگر جزو یک سیستم کشوری - ملی ای که قبلاً ساخته شده زندگی میکنند. اینها هم میخواهند سری بین سرها درآورند! یعنی بخشی از طبقه سرمایه دار که زبان و تاریخچه خودش را دارد اما دارای کشوری نیست میخواهد کشور خودش را، یعنی بازار داخلی و فعالیت اقتصادی خودش را، داشته باشد و قدرت سیاسی خودش را اعمال کند. اینها از ستم ملی که یک مسئله واقعی است استفاده میکنند تا به این هدف برسند.

اجازه بدهید مثالی بیاورم. میدانید که مسئله فلسطین یک مسئله واقعی است. میلیونها نفر از مردم از سرزمین تاریخی خودشان، جایی که در آن زندگی میکردند و اسکان داشتند، آواره شده اند و به جای آن کشوری به اسم اسرائیل ساخته اند. این مسئله واقعی است ولی از این مسئله واقعی احزاب و نیروهای فوق ارتجاعی اسلامی تغذیه میکنند. یک پایه جنبش اسلام سیاسی همین است. نیروهایی مانند حماس، مانند حزب الله، مانند خود جمهوری اسلامی، از این استفاده کردند، از درد و رنج مردم فلسطین تغذیه کردند برای اینکه اهداف ارتجاعی خودشان را پیش ببرند.

ناسیونالیسم هم همین نقش را بازی میکند. احزاب ناسیونالیست قومی به تبعیض و ستم ملی متوسل میشوند برای اینکه به قدرت برسند و منافع سیاسی و اقتصادی طبقه خودشان را تأمین کنند.

اهدافی که آنها دنبال میکنند به هیچ وجه همان اهداف توده کارگر یا توده زحمتکشی که تحت ستم ملی قرار دارد نیست، بلکه اهداف همان یک درصدیهاست که در تناقض کامل است با منافع توده مردم همان ملتی که آنها ادعای نمایندگی اش را دارند. این را

ناسیونالیستها و قومگرایان هستند، آیا فکر نمیکند که در انتقاداتان به آنها تندروی میکنید؟ فکر نمیکند که آنها محق اند در اینکه این مسئله را طرح و برجسته کنند؟

حمید تقوایی: همانطور که گفتید تبعیض ملی یک مسئله عینی و واقعی در جامعه ایران و خیلی از جوامع دیگر است.

ولی ناسیونالیستها امرشان و هدف شان رفع این ستم نیست. آنها بر مبنای این درد اهداف خودشان و خواستههای خودشان را دنبال میکنند.

ناسیونالیسم یک ایدئولوژی و سیستم فکری و ارزشی است که مختص طبقه سرمایه دار است. مختص یک درصدیها است. حالا اینها در جایی در قدرت هستند و دولت را دارند، در جایی هم در دولت نیستند و به قول خودشان "اقلیتهای ملی" را تشکیل میدهند. ولی هدف شان همان است که به قدرت برسند، که ملت سازی کنند، کشور سازی کنند، برای اینکه بازار داخلی خودشان را داشته باشند، سود اندوزی و ثروت اندوزی خودشان را داشته باشند و منافع سیاسی و اقتصادی شان در آن چهارچوب ملی ای که ایده آل شان است برآورده شود. اصلاً در طی تاریخ ملتها و کشورها همینطور ساخته شدند.

ملتها برای رفع تبعیضات ملی ایجاد نشدند، بلکه بر مبنای منافع طبقه تازه بدوران رسیده ای شکل گرفتند که در اروپا در اواخر قرون وسطی علیه دربار و اشرافیت و جوامع بسته فئودالی بمیدان آمده بود و میخواست منافع اقتصادی خودش، منافع طبقه بورژوا یا سرمایه دار را تأمین کند. این طبقه برای اینکه بازار خودش را داشته باشد، برای اینکه قدرت اقتصادی و سیاسی خودش را در آن جوامع فئودالی که طایفه ای و خانجانی بودند اعمال کند، ناگزیر بود که همه را زیر پرچم یک ملت گرد بیاورد، ناگزیر بود که جامعه ای به اسم ملت و کشور ایجاد کند تا محدودیتهای جوامع بسته فئودالی را کنار بزند و قدرت اقتصادی و سیاسی خودش را اعمال کند. امروز دیگر در



قرار است اول زندگی کنیم! کودکی کنیم، جوانی کنیم! چرا رضا؟ چرا این کار را کردی؟

چرا به آن احسان علیجانی فریبکار نگفتی من قرار نیست مرد نان آور خانه باشم! قرار نیست جهیزیه خواهرم را تهیه کنم. من کودکم! باید کودکی کنم! جای من در مدرسه است. چرا نگفتی با من، علیه خودم برنامه نسا! آگه اهل کاری بیا به کار کودکان خاتمه بده! بیا مرا از این جهنمی که جمهوری اسلامی ساخته است نجات بده. از من نخواه مثل بزرگترها باشم.

از من نخواه نان آور خانواده باشم! این بساط فریبکاری ات را جمع کن. چرا نگفتی قاتل من جمهوری اسلامی است! حکومتی که مرا خودکشی کرد نباید بماند! باید نابود بشود!

جای سگ دو زدن در خیابان و جان کندن در بیغوله های کار را بگیرد؟ مگر نه اینکه همه کودکان باید حق تحصیل داشته باشند؟ مگر نه اینکه... نه رضا! نه! خودکشی راهش نبود! ما همینطوری هم خودکشی شده ایم! همین طوری هم ناباورانه در سکوتی جانکاه و عذاب آور در زیر آوار فقر و فلاکت و تباهی له شده ایم، اجیر دست بازار و شاهد مرگ دلخراش کودکی های ناکرده و نوجوانی بریادرفته مان هستیم.

اما رضا پایان راه کودکی های ناتمام خودکشی نیست! مرگ خاموش، پایان دردهای بیشمار ما نیست! بین همین امروز چند صد رضا در چند خیابان به لبه پرتگاه رسیده اند! همه مان برویم خودمان را بکشیم؟ ما که زندگی نکرده ایم که پایانش بدهیم.

تبعیض ملی، مسئله زبان و راه حل کمونیسم کارگری

این نوشته بر مبنای مصاحبه با تلویزیون کانال جدید تدوین شده است



به رسمیت شناختن زبانهای رایج در کشور یکی از بروزات تبعیض بر اساس ملیت است.

ناسیونالیستها و قومگرایان بر مسئله ستم و تبعیض ملی انگشت میگذارند و از آن تغذیه میکنند. آنها بالاخره دردی را بیان میکنند و خواهان رفع این مسئله هستند. حمید تقوایی، شما که از منتقدین

خلیل کیوان: ستم و تبعیض و حتی تحقیر بر اساس ملیت واقعیتی است که آشکارا بر بخشی از مردم ایران اعمال میشود. محرومیت های اقتصادی و سیاسی و اجتماعی و فرهنگی به خاطر تعلق ملی و قومی یکی از مظاهر زشت و غیرانسانی جامعه ایران است. محروم کردن بخشی از مردم در استفاده از زبان مادری و عدم

ادامه از صفحه ۳

و لطیفه بگوئید، مثل و مثل و بکار ببرید، بیچ و خمهای زبان و ظرایف زبان را خیلی بهتر میفهمید و بکار میبرید و غیره. ممکن است شکسپیر و بودلر و هانریش هاینه را بخوانید و بفهمید ولی آن تأثیری که فرض کنید حافظ یا خیام روی شما دارند، آنها ندارند.

زبان شناسان معتقدند که زبان فقط وسیله تکلم نیست بلکه وسیله تفکر هم هست. یعنی تفکر بدون زبان قابل تصور نیست. کسی که با زبان مادریش شروع به فکر کردن کرده است این امر چنان در شخصیت اش حک میشود که با زبانهای دیگر قابل جایگزینی نیست.

به این دلایل محرومیت از تحصیل و محرومیت از فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی به زبان مادری، ظلم خیلی فاحشی است. در بسیاری کشورها زبان مادری مردم مناطقی که بزبان رسمی آن کشور صحبت نمیکند اصلاً برسمیت شناخته نمیشود. گویا جزئی از واقعیات اجتماعی نیست. همه مجبورند در ادارات و آموزش و پرورش و رسانه‌ها و ادبیات آن زبانی را بکار ببرند که دولت مربوطه در جامعه رسمیت داده است. خوب، این در حق کسی که با زبان مادری دیگری بجز زبان اصلی هر کشور به دنیا آمده تبعیض فاحشی است. من هنوز میبینم در میان دوستانم که زبان مادری شان زبانهای دیگری مثلاً ترکی یا کردی و غیره است و با آن زبان آشنایی بیشتری دارند، با وجود اینکه به زبان فارسی مسلط هستند، وقتی که میخواهند فرض کنید لطیفه ای بگویند یا طنزی به کار ببرند یا وقتی که میخواهند طعنه و کنایه ای بزنند به زبان مادریشان سوئیچ میکنند. آن زبان برایشان راحت تر است. این مختص به «اقلیتهای ملی» نیست. برای فارسی زبانان ساکن در کشورهای دیگر هم دقیقاً همین امر صادق است. آنها هم وقتی میخواهند لطیفه و جوکی بگویند، یا با یک ضرب المثل نکته ای را بیان کنند، یا با بیتهی از شاعری منظورشان را برسازند، به زبان فارسی متوسل میشوند.

به نظر من این کاملاً طبیعی است و جزئی از شخصیت اجتماعی انسانهاست.

به همین خاطر ما باید تبعیض علیه زبان مادری را ریشه کن کنیم، این را باید از بین ببریم تا بتوانیم ادعا کنیم که ستم ملی را از بین برده ایم. البته ستم و تبعیض ملی منحصر به زبان نیست ولی نابرابری در کاربرد زبان مادری یک رکن مهم ستم ملی است.

خلیل کیوان: راه حل حزب کمونیسم کارگری ایران برای رفع این تبعیض زبانی - فرهنگی چیست؟

حمید تقوایی: ما در برنامه حزب و کلاً در ادبیات و گفتمانها و تبلیغات حزب راه حل روشنی برای رفع این مسئله داریم. ما میگوییم امکان آموزش زبان

به زبان مادری باید در همه جا به رسمیت شناخته شود و در مناطقی که به آن زبانها صحبت میکنند این باید قانونی و عملی شود. ولی علاوه بر این باید شعر و ادبیات به آن زبان، موسیقی و ترانه به آن زبان و سایر جنبه های فرهنگی آن زبان هم درس داده شود. الان ما در مدارس مثلاً انشاء به زبان فارسی داریم، ادبیات به زبان فارسی داریم. در مورد زبانهای دیگر هم همین باید به رسمیت شناخته شود. و دولت موظف است تسهیلات لازم را برای اجرای و تحقق این امر فراهم کند.

خلیل کیوان: به هر حال، زبان مشترک یکی از ملزومات هر جامعه ای است. آیا آن تأکیدی که ناسیونالیستها و قومگرایان روی آموزش زبان مادری دارند و این راه حلی که کمونیسم کارگری دارد

جدا کردن خودشان از بقیه را مطرح میکنند، همان بحثی که در ابتدا مطرح کردم.

اما برخلاف ناسیونالیستها ما بر مبنای اصل متساوی الحقوق بودن شهروندان از زبان مادری حمایت میکنیم. شهروندان متساوی الحقوق یعنی اینکه در ایران امروز همانطور که کسی زبان مادری اش فارسی است میتواند به فارسی کتاب بنویسد، شعر بگوید، فیلم درست کند، تئاتر بسازد، رادیو و تلویزیون راه بیندازد و غیره و تمام این حقوق باید برای کسی که زبان مادری اش ترکی یا کردی یا عربی یا هر زبان دیگری هست هم به رسمیت شناخته شود. این تفرقه انگیز نیست، برعکس، وحدت بخش است. ناسیونالیسم قومی، مثلاً ناسیونالیسم کرد، میخواهد حول زبان کشور - ملت خودش

”ناسیونالیسم یک ایدئولوژی و سیستم فکری و ارزشی است که مفتض طبقه سرمایه دار است. مفتض یک در صدیها است.“

کسی به زبان خودش و هر کسی به فرهنگ خودش، بطوری که همسایه زبان همسایه را نفهمد، نیستیم. اگر ما از حقوق مساوی صحبت میکنیم دقیقاً به خاطر این است که بتوانیم جامعه را هر چه بزرگتر کنیم و هر کسی با هر زبان مادری ای که دارد بتواند در آن احساس آزادی و راحتی کند و بتواند به زبان خودش هر فعالیتی را بکند. اتفاقاً این چسب دور هم قرار گرفتن مردم و اتحاد مردم و رفتن به طرف جوامع هر چه بزرگتر و انسانی تر میشود. تنها در این صورت است که همه با اشتیاق یک زبان سراسری را هم فرا میگیرند. برعکس، کسی که بر زبان خودش به عنوان زبان رسمی اجباری یک ملت یا یک کشور (چه کشوری که فعلاً هست و چه کشوری که میخواهد فردا درست کند) تأکید میکند، اتفاقاً اوست که دارد تفرقه میاندازد، اوست که دارد مردم و جوامع انسانی را بر اساس یک تاریخچه ملی - قومی تقسیم میکند.

اگر کسی از سر انسانیت و جوامع انسانی حرکت میکند - نه از سر اینکه طبقه من باید قدرت را بگیرد و من باید پرچم و مقدسات و خاک و مرز مقدس خودم را داشته باشم و غیره - اگر مقدسات تعصبات ملی را کنار بگذاریم، آن وقت هر انسانی با هر زبان مادری ای که دارد با بقیه احساس برابری خواهد کرد. و دیگر لزومی نخواهد داشت که بحث جدایی و حتی خودمختاری و فدرالیسم و غیره مطرح شود و این نوع نسخه پیچی ها که عملاً تبعیض و تفرقه ملی را تشدید میکنند کنار خواهد رفت.

اساس بحث حقوق انسانی است که جهانشمول است. اگر حکومتی خواهد جامعه بر اساس حقوق انسانی اداره شود، بخشی از این حقوق انسانی به رسمیت شناختن زبان مادری برای همه کسانی است که به زبانهای مختلفی صحبت میکنند. ما در این چهارچوب مسئله را مطرح میکنیم و ناسیونالیستها در چهارچوب برتری یا تسلط زبان مادری خودشان بر مقدرات جامعه ای که معتقد هستند

ادامه در صفحه ۵

را بسازد و یا فدرال خود را داشته باشد و تمام امور را خودش در دست بگیرد. یعنی میخواهد زبان کردی در کشور مورد نظر او همان نقشی را داشته باشد که زبان فارسی در ایران امروز دارد.

خوب، بحث ما این نیست! ما میگوییم تساوی همه زبانهای رایج در هر کشور. ما میگوییم که در هر جامعه ای - حالا اسمش را هر چه بگذارید، کشور ایران، کشور کردستان، و یا هر کشور دیگری - تمام زبانهای رایج در آن جامعه، همانطور که توضیح دادم، باید بطور مساوی به رسمیت شناخته شوند و حقوق شان رعایت شود. اتفاقاً اگر این شرایط را به وجود بیاورید خواهید توانست جوامع بزرگتر و متحدتری داشته باشید.

ما به عنوان یک اصل خواهان این هستیم که جوامع (که سرمایه دارها اسم کشور و ملت رویش میگذارند) هر چه بزرگتر باشند. ما به هیچ وجه طرفدار کشورهای هر چه کوچکتر و هر

باعث نمیشود که مردم از هم منفک بشوند، با توجه به اینکه ایران کشوری چند زبانه است و مردمش متناسب به ملیتهای مختلفی هستند. آیا این، کشور را در آستانه تجزیه قرار نمیدهد و آن را تبدیل به چند پارچه و غیره نمیکند؟ با راه حلی که شما دارید و تأکیدی که قومگرایان و ملی گرایان روی این مسئله دارند، آیا خطر این نیست که مردم رو در روی هم قرار بگیرند؟

حمید تقوایی: ابتدا باید بگویم که تجزیه و جدائی و استقلال را ما خود به خود کفر یا تابو یا ممنوعه نمیدانیم. ما در مناطقی که مسئله ملی وجود دارد اگر مردم در یک شرایط آزاد و از طریق فرآیند تصمیم بگیرند که جدا شوند، این را برخلاف نیروهای ناسیونالیست فارس، به رسمیت میشناسیم. ولی گذشته از این، بحث اینجاست که وقتی نیروهای ناسیونالیسم قومی بر زبان تأکید میکنند، در واقع، دارند مسئله ملت سازی، مسئله رسیدن به قدرت برای

مادری برای همه زبانهای رایج در کشور باید فراهم شود. داشتن ادبیات، انتشارات، کتاب و مجله و روزنامه به زبان مادری و کاربرد آن در مدیای اجتماعی و در رسانه ها مانند رادیو و تلویزیون و غیره باید قانونی باشد و به رسمیت شناخته شود. دولت موظف است تسهیلاتی ایجاد کند برای اینکه افرادی که به زبانهای مادری (غیر از زبان اصلی آن کشور) صحبت میکنند بتوانند آموزش ببینند، بتوانند ادبیات و فرهنگ خودشان را تدریس کنند یا تحصیل کنند، بتوانند انتشارات ادبی کتاب، رمان، شعر و ترانه و فیلم و موسیقی داشته باشند، بتوانند رسانه های خودشان را داشته باشند (رادیو و تلویزیون و غیره) و کلاً حق داشته باشند که به زبان مادری فعالیت های فرهنگی و هنری داشته باشند. اینها باید به رسمیت شناخته شوند.

بحث فقط بر سر آموزش الفبا و خواندن و نوشتن نیست. این یک موضوع است. سوادآموزی

”ما فوهران آموزش زبان انگلیسی در کنار زبان اصلی و دیگر زبانهای رایج در مناطق متلف کشور هستیم.“

ادامه از صفحه ۴

جامعه ملی آنهاست. این دو نوع نگاه به مسئله زبان و راه حل مسئله زبان کاملاً نقطه مقابل یکدیگر است.

خلیل کیوان: خوب، با این اوصافی که میگویید، اگر قرار باشد که در هر منطقه مردم به زبان مادری خودشان صحبت کنند، تحصیل کنند، فعالیت‌های فرهنگی شان را با آن سازمان دهند، آن وقت چه زبانی مردم یک کشور را با هم متحد نگاه میدارد که بتوانند با هم مرادوه داشته باشند؟ مسئله زبان اصلی بین مردم آن کشور چه میشود؟

حمید تقوایی: آنچه در مورد زبان مادری گفتم نافی ضرورت زبان آموزشی اصلی و یا زبان سراسری نیست. مسلم است که زبان اصلی خواهیم داشت. سیاست ما که در برنامه ”یک دنیای بهتر توضیح داده شده“ این است که یک زبان اصلی و سراسری آموزشی و اداری وجود دارد که جامعه آن را به شیوه دمکراتیکی تعیین میکند. مثلاً فرض کنید که زبان آموزشی و اداری اصلی در ایران میتواند فارسی باشد یا هر زبان دیگری که جامعه به آن تمایل داشته باشد و آن را بخواهد. این زبان بعنوان زبان سراسری در همه مدارس آموزش داده میشود.

بنابراین، حق تحصیل و حق فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی به زبان مادری به این معنی نیست که مردم فقط زبان خودشان را یاد بگیرند. بلکه به این معنی است که در مناطقی که زبانهای محلی مختلفی رایج است این امکانات برای تدریس زبان مادری فراهم میشود. برنامه ما هم زبان آموزشی و اداری اصلی را به عنوان یک زبان سراسری به رسمیت میشناسد و هم زبانهای محلی یا زبانهای مادری مختلف را.

خلیل کیوان: آیا معنی این حرف شما این است که در کنار زبان سراسری زبانهای رایج دیگر هم در کل مدارس ایران تدریس میشوند؟

حمید تقوایی: خیر! این ممکن نیست و لازم هم نیست.

تنها در مدارس مناطقی که زبانهای دیگری رایج اند، مانند کردستان، خوزستان، آذربایجان و غیره، باید زبان مادری تدریس بشود. هم به معنی سواد آموزی و هم ادبیات به آن زبان. ولی این دروس در تمام مدارس ایران آموزش داده نخواهد شد. مثلاً در شیراز تدریس زبان کردی موضوعیت ندارد، لزومی ندارد، اما در کردستان طبعاً زبان کردی باید در تمام مدارس آن منطقه آموزش داده شود.

معمولاً در کشورهای غربی که این قوانین را تا حدی رعایت میکنند اگر درصد معینی از محصلین در مدرسه ای بخواهند که یک زبان غیر سراسری تدریس شود، آن مدرسه موظف است که تسهیلات این امر را فراهم کند. فرض کنید از میان مهاجرین عرب زبان که در یک کشور اروپایی و یا هر کشور دیگری که این حقوق را تا حدی به رسمیت میشناسد زندگی میکنند، اگر در صد معینی خواهان تدریس زبان عربی در مدارس شهر و منطقه محل سکونت خود باشند دولت موظف است که این تسهیلات را فراهم کند.

در ایران هم باید این حقوق را برسمیت شناخت. اینجا البته حقوق مهاجرین مورد بحث ما نیست، ولی مردمی که زبان مادریشان با زبان سراسری متفاوت است باید از حق آموزش به زبان مادری حتی در مناطق دیگر کشور برخوردار باشند. هم در مناطقی مثل کردستان و آذربایجان که زبان محلی متفاوت است و هم در مناطق دیگری که در صد معینی از مردم خواهان آموزش زبان مادریشان باشند باید این حق برسمیت شناخته بشود.

در حال اینها جزئیاتی است که قوانین روشن خواهند کرد. اما روح قضیه، مبنای قضیه، این است که ما حقوق کسی را که به زبان مادری دیگری صحبت میکند به رسمیت بشناسیم و از سواد آموزی و فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی به زبان مادری محروم نکنیم. این

را هم تاکید کنیم که حد نصاب جغرافیائی صرفاً در مورد آموزش صادق است. یعنی صرفاً برای آموزش یک زبان مادری در منطقه ای که اکثریت مردم زبان دیگری دارند باید درصد معینی درخواست کنند. ولی در مورد فعالیت‌های ادبی و فرهنگی و هنری هیچ نوع محدودیتی، چه جغرافیائی و چه غیر آن، نباید وجود داشته باشد. برای این نوع فعالیتها هم باید تسهیلات و امکانات لازم را برای همگان، مستقل از زبانی که تکلم میکنند، فراهم کرد.

خلیل کیوان: باز پرسشی در همین رابطه دارم. آیا آموزش به زبان مادری معنی اش این است که کلیه دروس مدارس و دبیرستانها، مانند فیزیک و شیمی و دروس دیگر، به همان زبان مادری باید تدریس شود؟

حمید تقوایی: به نظر من اینطور نیست. همانطور که گفتم مسئله تبعیض زبانی و تفاوت میان زبانهای مادری مختلف اساساً حول ادبیات و شعر و ترانه و امثالهم معنی میدهد. اما در مورد علوم باید توجه داشت باشیم که در عصر ما زبان اورژینال علوم زبانهای اروپائی هستند. کشورهای غربی هستند که امروزه در صف مقدم پیشرفتهای فلسفی علمی - چه علوم دقیقه و چه علوم اجتماعی - قرار دارند. زبانهای دیگر، نظیر زبان فارسی و یا زبانهای دیگر که در ایران رایج است، آن گنجینه لغات و مقولات و مفاهیم و آن توان و جامعیت را ندارند که پیشرفتهای و دستاوردهای علوم امروزی را با سهولت و دقت و صحت لازم بیان کنند.

در ایران، آن دوره ای که لاقلاً من تحصیل میکردم، در دانشگاهها بعضی از دروس به زبان انگلیسی تدریس میشد به خاطر اینکه نمیتوانستند مثلاً مکانیک کوانتیک و یا ریاضیات عالی را به فارسی درس بدهند. زبان فارسی برای این کار خیلی الکن است. متونی هم که به فارسی وجود داشت اکثر قریب به اتفاق لغات و اصطلاحاتش به

همان زبان اصلی بود که صرفاً با خط فارسی نوشته شده بود. در مواردی هم از همان سطح سیکل دوم دبیرستان بهتر است دروسی را به زبان انگلیسی درس داد. با این شیوه خیلی بهتر و گسترده تر و عمیق تر میتوان علم را در کشور ایران رواج داد.

ماتعصبی نداریم. یک فرق ما با ناسیونالیستها در این است که ما روی فرهنگ خود، زبان خود، تاریخ خود، تعصب نداریم. ما میگوییم که همه جوامع باید به استقبال فرهنگ پیشرفته انسانی بروند و به همین خاطر بر ارزشهای جهانشمول تاکید میکنیم. دستاوردهای فرهنگی و علمی مثلاً به زبان انگلیسی فقط متعلق به جامعه انگلیسی زبان نیست، بلکه دستاورد رشد فکری و فرهنگی کل بشریت است. روند تحولات تاریخی به شکلی بوده که امروز کشورهای غربی و اروپایی پیشتاز فرهنگ و پیشتاز علم و هنر هستند. این را باید در همه کشورها مستقل از اینکه به چه زبانی صحبت میکنند، به رسمیت شناخت.

خلیل کیوان: آخرین پرسش من از شما را مطرح میکنم. شما به زبان انگلیسی اشاره کردید. برنامه حزب کمونیست کارگری صحبت از این میکند که تدریس زبان انگلیسی در تمام مدارس از سنین پایین شروع شود. برنامه میگوید که زبان انگلیسی باید به تدریج به زبان اداری و آموزشی متداول در کشور تبدیل شود. آیا آموزش زبان انگلیسی تا این حد که شماروی آن تاکید دارید مغایر با خود آموزش زبان مادری نمیشود؟

حمید تقوایی: به هیچ وجه اینطور نیست. ما خواهان آموزش زبان انگلیسی در کنار زبان اصلی و دیگر زبانهای رایج در مناطق مختلف کشور هستیم. من توضیح دادم که زبان انگلیسی در نتیجه یک سری تحولات تاریخی به یک زبان غنی و کاملاً جامعی برای علوم بدل شده است. علوم به معنی وسیع کلمه، از علوم دقیقه تا علوم

اجتماعی و پزشکی و فلسفه و تئوریهای اقتصادی و مکاتب فکری و غیره. این یکی از دلایل عروج زبان انگلیسی به یک زبان بین المللی است. در کشور سوئد از سنین پایین، از سطح دبستان، زبان انگلیسی تدریس میشود با وجود اینکه زبان سوئدی بالاخره جزو فرهنگ اروپایی است و از نظر علمی آن ضعف مثلاً زبان فارسی را ندارد، با این حال، در آنجا انگلیسی تدریس میشود چون میدانند که زبان مادریشان فقط محدود به یک جامعه کوچک چند میلیونی است. میدانند اگر بخواهند با دنیا ارتباط برقرار کنند، و از دستاوردهای علمی و حتی هنری و فرهنگی و ادبیات و فیلم و موسیقی بخوبی استفاده کنند، باید زبان انگلیسی را فرا بگیرند. در سوئد حتی فیلمها و شوهای تلویزیونی - که اغلب آنها به زبان انگلیسی است - را دوبله نمیکند و به همان زبان اصلی نمایش میدهند.

ما هم میخواهیم این مدل را در ایران پیاده کنیم. این امکان میدهد که جامعه ایران ارتباط قوی تری با دنیا برقرار کند و بتواند از تازه ترین و آخرین دستاوردهای فکری و فرهنگی دنیا برخوردار شود.

در آخر باید یک نکته را هم در رابطه با خط فارسی بگویم. ما میخواهیم در عین حال خط فارسی را به لاتین تبدیل کنیم، همان کاری که جامعه ترکیه کرد. زبان فارسی زبان فارسی است ولی خط عربی که زبان فارسی به آن نوشته میشود، به نظر ما وزنه سنگینی بر پای این زبان است. اگر میخواهیم ادبیات فارسی پیشرفت کند، سواد آموزی به فارسی راحت تر انجام شود، و کلاً بشود به زبان فارسی وارد دنیای شد که در آن خط لاتین را در همه جا به رسمیت میشناسند، خط فارسی باید به خط لاتین تبدیل شود. این یکی از رفرمهای مهم در جهت شکوفایی بیشتر فرهنگ و شعر و ادبیات و ادبی کلاهای نوشتاری و ادبی به زبان فارسی خواهد بود.

تاریخ نگاری کرونا

ژوبین زارع

وقتی اولین زمزمه های وجود بیماری کرونا بوجود آمد، وقتی صداهایی از قم مبنی بر وجود بیماری به شکل گسترده به بیرون درز پیدا کرد، اولین واکنش جمهوری اسلامی فرستادن خبرنگار به قم و مصاحبه با مردم در خیابان و مسخره کردن شبکه های اجتماعی و متوهم نامیدن کسانی بود که مطمئن بودند بیماری کرونا در حال ایجاد فاجعه ای در ایران است. قاعده بر این بود که در ایران که کشوری توریستی نیست و حضور خارجی در آن بسیار کم و ناچیز است با سیاستی درست از همان ابتدا جلوی رشد بیماری گرفته میشد.

اما برای برگزاری راهپیمایی ۲۲ بهمن و برگزاری انتخابات مجلس، انکار، اولین اقدام



جمهوری اسلامی در مقابل این قاتل جهانی بود. پزشکان و پرستاران حکومتی، آنهایی که حقوقشان به موقع پرداخت میشود و در تلویزیون ظاهر میشوند سعی در کوچک جلوه دادن بیماری کردند، هرگز استفاده از ماسک را ترویج نکردند و با انواع و اقسام اطلاعات غلط (خودم گرفتم، خوب شدم، یه شب تب میکنی، خوب میشی) با شوخی و خنده مسئله را لاپوشانی و مردم را همراه کردند. در حالیکه تمام دنیا تعطیلی و کاهش ارتباطات اجتماعی را آغاز کرده بودند، دولتی ها و افسران جنگ نرم نظام در شبکه های اجتماعی قرنطینه را امری قرون وسطایی مینامیدند. تمام دنیا پروازهای چین را لغو کرده بودند، ایران همچنان پروازهایش به چین را ادامه میداد و مرکز ترانسفر چینی ها به تمام دنیا شده بود.

میکرد. رئیس جمهوری که یا از اوضاع اقتصادی مردم خبر ندارد یا اگر دارد خود را به نادانی زده بود مردم را تشویق به استفاده از تاکسی های اینترنتی با قیمت های سرسام آور میکرد، غافل از اینکه عموم مردم توانایی خرید ماسک و الکل را هم نداشتند.

در ادامه با تبلیغات از یک کمک معیشتی پرده برداری کردند. به حساب یارانه بگیران یک میلیون تومان واریز کردند اما همین پول را با سودش از یارانه هر ماه شروع به کم کردن کردند. نماز عید فطر را برگزار کردند، نمازی که برای جان مردم در سیستان و بلوچستان و خوزستان شد و آمار کرونا را باز هم شدیدتر کرد. در این بین در تلویزیون و شبکه های اجتماعی در حالیکه هیچ عملکرد مناسبی برای مقابله با کرونا نکرده بودند گفتمان «مردم مقصرن» را استارت زدند. برگزاری هیئت های محرم ایرادی نداشت ولی رفتن به مسافرت با ماشین شخصی عامل اصلی کسترش کرونا اعلام میشد! کنکور برگزار شد، پزشکان بدون مرز اخراج شدند، چند هزار ساعت برنامه تلویزیون که میتوانست برای آگاهی مردم و روش های مقابله با کرونا و آموزش گردد صرف نگاه به آمریکا و شهید جرج فلویید و آمار آمریکا شد.

در چند روز اخیر نیز سیرک تولید واکسن راه انداخته اند. در حالیکه در کشورهای دیگر واکسن تایید شده مجامع بین المللی از جمله سازمان بهداشت جهانی را در مقابل دوربین جهت بالا بردن روحیه مردم و اعتمادسازی تزریق میکنند، در ایران مرحله تست انسانی واکسن را در مقابل دوربین نمایش میدهند. نمایشی مضحکه آمیز که در اقدامی احمقانه برای زنی چادری از روی لباس و چادر واکسن تزریق میشود و نادانی اعلام میکنند که نیازی به تایید بین المللی واکسن خود نداریم.

با توجه به تمام نمایش های حکومت در این مدت، مردم به این نتیجه رسیده اند که کرونا نعمتی برای جمهوری اسلامی است که مانع از به خیابان آمدن مردم شده و هرگز

خواهان از بین رفتن آن نیست. از طرفی دیگر دولت تمام کاستی ها و فلاکت های پیش رو را نیز به گردن کرونا خواهد انداخت، غافل از اینکه مردم بارها با صدای بلند با هشتک #واکسن_بخرید ضمن اعلام عدم توانایی علمی و فن آوری جمهوری اسلامی، خواهان

هر کس که تحولات اجتماعی سیاسی ایران را دنبال کند با مسائل و مشاهداتی روبرو می شود که ویژه ایران و حاصل تحولات این جامعه و پروبلم هایی است که در جامعه و در کانسبت تحولات این جامعه معنایی روشن دارد. جنبش هایی در اعماق جامعه در رشد و نمو و در جوش و خروشدند که از ویژگیهای شرایط این جامعه برخاسته اند.

ممکن است مسائلی که مردم با آن دست بگریباندند در جاهای دیگر نیز با اندک تفاوتی باشد. اما واکنش به آن و جنبش سازی و فعالیت جنبشی حول آن است که مسئله را طور دیگری محل توجه قرار میدهد و حول آن حرکت ایجاد کرده و نور دیگری به آن تابیده می شود. برای مثال جنبش زنان در ایران در نخستین بروز اجتماعی اش در ۸ مارس سال ۵۷ که هنوز چند هفته ای بیش از سقوط رژیم شاه و استقرار ضد انقلاب اسلامی نگذشته بود نمی گذشت که خمینی فرمان حجاب اجباری زنان را صادر کرد. پیرو آن زنان پیشرو مترقی متجدد و چپ کمونیست و برابری طلب طی دعوتی در اعتراض به این فرمان و در رویارویی با جنبش اسلام سیاسی و رهبری این جنبش به خیابان آمدند و یکی از باشکوه ترین و وسیعترین تظاهرات های ضد حکومت اسلامی و ضد قوانین حجاب اجباری زنان و فرمان خمینی را برگزار کردند. شعارهای زنان برابری طلب ایرانی در آن تظاهرات مبین مخالفت و رد قوانین ارتجاعی و تبعیض آمیز اسلامی نسبت به زنان و نه بزرگ زنان ایرانی پیشرو و برابری طلب

بازگشت به زندگی بدون کرونا همزمان با سایر مردم جهان شده اند که در صورت عدم دریافت پاسخی درست از طرف حکومت در شرایطی که جامعه رو به انفجار است، ویروسی که برای حکومت در حال حاضر نعمت است میتواند به فروپاشی آن منجر شود.

پیشروییهای اجتماعی کمونیسم و کمونیسم سیاسی

حمید صداقت

به فرمان ارتجاعی تحمیل حجاب اجباری به زنان بود. این حرکت علاوه بر این نکات، حامل مواضع، سیاست ها پیام ها و شعارهایی بود که نقشی پیشرو و تکان دهنده در مبارزات زنان "علاوه بر ایران" برای حقوق برابر با مردان در سطح جهان داشت. شعارهایی از قبیل "حقوق زن نه شرقی نه غربی" جهانی است. و یا "ما انقلاب نکردیم تا به عقب برگردیم" و بسیاری شعارهای دیگر پتانسیل بالای این حرکت و نقش پیشرو انقلابی آن را جدا از هر نوع ادعا و فورمولبندی سیاسی و سازمانی و ... نشان داد.

این در حالی بود که بسیاری از چپ های خلقی ضد امپریالیست آن موقع از سر عقب ماندگیهای سیاسی و فرقه ای حتی قادر به شناسایی اهمیت و جایگاه این جنبش و حرکت مترقی پیشرو انقلابی رادیکال و انسانی زنان در جامعه بر علیه حکومت اسلامی و ارتجاع اسلام سیاسی نبودند و بعضا مقابل آن تحت نام "زنان شمال شهری" ایستادند. حکومت اسلامی و جریان اسلامی بر خلاف مخالفین مسائل خود، مشکلات خود و مواجعات خود را برای استقرار و تحمیل فاشیسم و استبداد ضد انقلابی به جامعه می شناخت و از بخش آسیب پذیر جامعه، یعنی زنان خبر داشت که تعرض را از کجا شروع کند! زیرا بدرستی میدانست بدون تحمیل حجاب اجباری به سر زنان و بدون تحمیل "یا روسری یا تو سری" به زنان قادر به تحکیم حاکمیت ضد انقلابی خود و تحمیل خود به

ادامه از صفحه ۶
دیگر بخش های جامعه نمی شود. به همین دلیل از آنجا شروع کرد و در آن مقطع زنان تو دهنی به حکومت زدند و خمینی پس از ۴۸ ساعت ناگزیر از پس گرفتن فرمان خود شد. لیکن این کشمکش و پیروزی نمادین نقش و جایگاه جنبش زنان در تحولات ایران و در مبارزه علیه جمهوری اسلامی را نشان داد.

درک این مسئله و پتانسیل بالای جنبش زنان و نقش زنان و جایگاه جنبش برابری طلبی زنان در تقویت جنبش سرنگونی طلبی انقلابی جمهوری اسلامی تنها از جنبشی بر می آمد که شناختی درست از عرصه ها و جبهه های اصلی نبرد طبقاتی میداشت و آن جنبش کمونیسم کارگری و تحزب کمونیسم کارگری بود. با این فورمولبندی که انقلاب آتی ایران انقلابی زنانه است، خصوصیت شمانیک و خصلت نمای انقلاب آتی را از قبل تعریف کرد. و همین فورمولبندی خصلت و خصوصیتی رادیکال در جنبش برابری طلبانه زنان را بازتاب داد و تاکید بر این بود تا در مسیر پیشروی به کم قانع نشود و برای کسب همه حقوق خود مشت به آسمان بکوبد.

با این نقطه عطف ها جنبش کمونیسم کارگری، شعارها سیاست ها و نقشه عمل هایش بازتاب و تأثیرات خوبی در جامعه و در جنبش کارگری داشته است. بگونه ای که ما شاهد رشد کمونیسم اجتماعی، برابری طلبی اجتماعی، پر بها دادن به دفاع از حقوق کودک، دفاع از حقوق حیوانات، دفاع از محیط زیست دفاع از حقوق اقلیت ها و ملیت های تحت ستم، دفاع از مهاجرین و اقلیت های تحت ستم و قربانیان خشونت و سرکوب می باشیم. بواقع هر بحثی در معنایی کلی می تواند توسط هر نیرو و جریانی بطور مجرد در جامعه مطرح شود ولی تبدیل کردن این سیاست ها و فعالیت ها به عرصه جنبشی و اجتماعی، جان به آن دادن و متعین کردن فعالیت هاست

که مهم است و آنرا مادی و اجتماعی میکند. مثل جنبش علیه اعدام و فعالیت هایی که در این رابطه خانم مینا احدی به پیش می برند. فعالیت هادر این عرصه آدم های بسیاری را از خطر مرگ و اعدام نجات داده است. جلوی اجرای احکام اعدام و سنگسار زیادی را گرفته است. آگاهی جامعه به واقعیت اعدام و خشونت نهفته در پشت این عمل توسط حکومت و دولت و نفس مجاز بودن حکومت به کشتن آدمها به نام قانون که سلاحی است عامدانه در

سیاسی این طبقه در بعدی محدود نگاه کند. بلکه جنبش اجتماعی و سیاسی طبقه کارگر برای تغییر ماهوی شرایط هستی کارگری و برای رهایی از هر نوع ستم طبقاتی است. لیکن هیچ مبارزه و پلاتفرم مبارزاتی و اجتماعی و سیاسی که حقوق انسانها و شان انسانی انسانها در جامعه را افزایش میدهد با این جنبش بیگانه نیست و اتفاقا بخشی از پلاتفرم کمونیسم کارگری رهایی همه مردم و جامعه از هر نوع ستم و تبعیض است. این مبارزه

تا همینجا بخصوص از دی ماه ۹۶ به اینسو این جامعه، مردم، زنان، کارگران، دانشجویان، جوانان و اقلیت های تحت

اساس سوسیالیسم

انسان است

است. و تا همینجا جامعه نشان داده است که به نیروی میلیونی و اجتماعی خود، با اتکاء به کارگران و آلترناتیو "رهبری شورایی" در جامعه پاسخ حکومت از بالای مافوق مردم را میدهد. و تا همینجا سیگنالهایی که جامعه میدهد سیگنالهایی است که جنبش کمونیسم کارگری و تحزب کمونیسم کارگری سالها برای این سیاست ها و رویکردها فعالیت کرده، وقت گذاشته، تبلیغ کرده کنگره گذاشته، پلنوم پشت پلنوم برگزار کرده، کنفرانس و سمینار داده، مقاله و کتاب و رساله نوشته تا راه های متعین کردن سیاست های کمونیستی و کارگری را به اعماق جامعه ببرد. تا جنبش کارگری شخصیت پیدا کند، سخنگو در میان کارگران پیدا کند و جامعه کارگر و جنبش کارگری و راه حل کارگری را از زبان رهبران و سخنگویان و فعالین کارگری رو به جامعه را ببیند و قضاوت کند. همچنین در جنبش زنان، در جنبش رفع ستم ملی، در جنبش علیه اعدام، در جنبش دفاع از حقوق پناهندگان و مهاجرین و در جنبش خلاصی اخلاقی جوانان و جنبش دفاع از حقوق کودکان و محیط زیست و غیره این جنبش ها چهره دارند و با چهره هاشان برای جامعه شناخته می شوند. با فعالیت هاشان، با کارهایی که کرده اند و راه هایی که رفته اند و از طریق تعیین بخشی است که رو به جامعه معرفی شده اند.

انقلاب علیه جمهوری اسلامی، انقلاب علیه حکومتی است که مظهر تمام و کمال تمام ارتجاع، عقب ماندگی، درماندگی و بن بست تاریخی سیاسی و طبقاتی بورژوازی است. و انقلاب اجتماعی و سیاسی کارگری و مردمی انقلابی است برای آزادی، برابری، رفع ستم و هر نوعی از تبعیض، و انقلابی است برای ایجاد یک دنیای بهتر که در آن هیچ نوع ستم و تبعیض و نابرابری نیست. با این خصلت نمایی ها انقلاب در ایران گامی مهم، اساسی و تعیین کننده در پیشرفت مبارزاتی بشر برای ایجاد یک دنیای بهتر بجلو برمیدارد.

مبارزه ای است به وسعت جامعه و مسائل مبتلابه مردم. در نتیجه آن چیزی که برای مردم علی العموم مهم است و موجب تقویت حقوق و آزادی های آنها و گسترش شان انسانی آنها می شود نمی تواند برای کارگران و جنبش کارگری و کمونیسم کارگری بی اهمیت و مهم نباشد. بقول حکمت "بشر با تمامی وجود و دارایی و شعوری که دارد مبارزه میکنند". این وظیفه کمونیسم کارگری و تحزب کمونیسم کارگری

دست حکومت و دولت برای کشتن و اعمال خشونت به مردم و حق کشتن آنها به هر بهانه مهم است. بنابر این نفس سازماندهی یک مبارزه و جنبشی اجتماعی و سیاسی وسیع علیه اعدام یک گام اساسی در تحمیل خواست جامعه به حکومت و دولت ها حتی پیش از سرنگونی آنان از طریق لغو مجازات اعدام است. جنبش کمونیستی فقط جنبش صنفی کارگری نیست که تنها به نیازهای صنفی و

در حمایت از بیانیه آزادی

طوماری با عنوان بیانیه آزادی در سال ۱۳۹۷ (برابر با ۲۰۱۸ میلادی) منتشر شده است و تا کنون قریب ۲۳ هزار نفر این بیانیه را امضا کرده اند. حزب کمونیست کارگری مفاد این بیانیه را در راستای آزادی و رهائی جامعه میداند و حمایت خود را از آن اعلام میدارد.

دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران
سوم ژانویه ۲۰۲۱، چهاردهم دی ۱۳۹۹

- ۸ - جدائی کامل مذهب از دولت، از سیستم قضائی، و از آموزش و پرورش
- ۹ - آزادی کامل مذهب و بی مذهبی بعنوان عقیده و امر خصوصی افراد
- ۱۰ - پیگرد و محاکمه آمرین و عاملین جنایات علیه مردم از جمله کشتارهای دهه شصت، قتل‌های زنجیره ای، و ترور چهره های اپوزیسیون در داخل و خارج
- ۱۱ - مصادره اموالی که مقامات و موسسات از راه دزدی و غارت اموال مردم تصاحب کرده اند و صرف آن در خدمت رفاه همه افراد جامعه
- ۱۲ - آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، مطبوعات، اجتماعات، تظاهرات، اعتصاب، تشکل و تحزب
- ۱۳ - برسمیت شناسی حقوق مساوی برای همه شهروندان ایران مستقل از مذهب، زبان، و یا قومیت و ملیت
- ۱۴ - رفع هر گونه تبعیض علیه همجنسگرایان و کلیه شهروندان با هر نوع گرایش و تمایل جنسی.
- ۱۵ - قطع فوری حمایت‌های مالی و نظامی از نیروها و دولت‌های اسلامی و تروریستی و تنش زدائی و برقراری روابط مسالمت آمیز با همه کشورها
- این بیانیه اتحاد مردم برای آزادی است. آنرا امضا کنید
- و امضای آنرا به دوستانتان پیشنهاد کنید.
- این بیانیه را تا کنون بیش از 23 هزار نفر امضا کرده اند
- برای امضای بیانیه نام خود را به این کانال تلگرام بفرستید:
- BayaneyehAzadi@
- برای دیدن کل امضاها و روند پیشرفت بیانیه آزادی میتوانید عضو کانال تلگرام زیر شوید:
- <https://telegram.me/BayaneyehAzadi>
- امضاها ادامه دارد

بیانیه آزادی

- ما امضا کنندگان این بیانیه عاجل ترین و فوری ترین خواست مردم ایران را تحقق اهداف زیر میدانیم و همه مردم معترض را به مبارزه برای تحقق این اهداف فرا می خوانیم.
- ۱ - خاتمه بخشیدن به فقر و فلاکت و بیکاری و گرانی و افزایش فوری دستمزدها و حقوقها متناسب با سطح هزینه ها
- ۲ - تامین طب و بهداشت و تحصیل رایگان برای همگان
- ۳ - آزادی بی قید و شرط کلیه زندانیان سیاسی
- ۴ - لغو مجازات اعدام
- ۵ - لغو قانون قصاص و ممنوعیت شلاق و سنگسار و تعزیر و دیگر اشکال شکنجه
- ۶ - لغو حجاب اجباری و جداسازی جنسیتی و کلیه قوانین تبعیض آمیز علیه زنان
- ۷ - همه نهادها و نیروهای امنیتی و سرکوبگر

از مدیای اجتماعی حزب

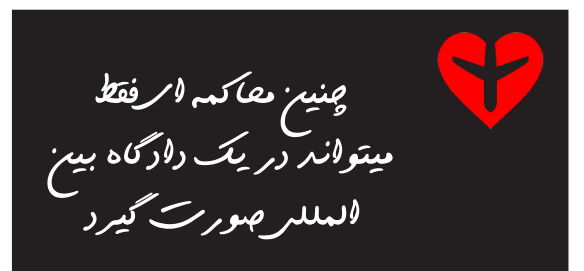
فیسبوک حزب: www.facebook.com/wpiran اینستگرام: www.instagram.com/wpi91 تلگرام: telegram.me/wpi_hkki شماره اپ و تلفن تماس: ۰۰۴۶۷۰۰۴۴۷۴۲۵

بوسیدن جرم نیست! عشق ورزیدن جرم نیست! بازداشت و انفرادی پیمان امیری محکوم است!

پیمان امیری، یک شهروند طبیعت گرد با انتشار این ویدئو در توئیتر شخصی خود نوشت: در آخرین تور طبیعت گردی که به امل داشتیم کمپ ما مورد حمله سپاه اطلاعات قرار گرفت. برای طبیعت گردی، خواستگاری و بوسیدن همسرم به شش سال حبس و شلاق محکوم شدم، شصت روز در انفرادی با چشم بند گذروندم.

هیچ جرمی مرتکب نشده اند، موجب وحشت دوچندان جمهوری اسلامی است. سرکوب و بازداشت شهروندان جامعه به جرم بوسیدن، در آغوش گرفتن، رقصیدن، حجاب برداشتن و آواز خواندن قویا محکوم است و باید مورد اعتراض قرار گیرد.

چنین بازداشت‌هایی در حالی صورت می پذیرد که عاملین و آمرین بیش از چهار دهه کشتار، شکنجه، اعدام، تجاوز، اختلاس و چپاول ثروت‌های جامعه هیچ وقت دستگیر و محاکمه نشده اند و آزادانه به زندگی نکبت بار خود ادامه می دهند؛ اما در سیستم قضایی ادامه در صفحه ۹



روحانی گفته است: «از زمانی که علت سقوط هواپیما آشکار شد به مسئولین اعلام کردم که هر آنچه اتفاق افتاده را به مردم اعلام کنند و البته مسببین آن بایستی در دادگاه عادلانه و بدون هیچ اغمازی محاکمه شوند.»

روحانی درست میگوید بدون اغماض مسببن این جنایت باید محاکمه شوند. سلاسی فرمانده سپاه، حاجی زاده فرمانده هوا و فضای سپاه، شمخانی دبیر شورای عالی امنیت ملی، خامنه‌ای که بدون هیچ تردیدی، سازماندهی این جنایت بدون موافقت او انجام نمیشد، ظریف و خود روحانی که سه روز تلاش کردند این

جنایت را مخفی کنند، رئیس که دستور اذیت و آزار و تهدید خانواده ها را صادر کرده است و مقاماتی که در از بین بردن شواهد و تحویل ندادن بموقع جعبه سیاه نقش داشته اند، در راس کسانی هستند که باید «بدون هیچ اغمازی» محاکمه شوند. چنین محاکمه ای فقط میتواند در یک دادگاه بین المللی صورت گیرد و در دادگاهی در ایران پس از سرنگونی حکومت. این جنایت فراموش شدنی نیست. نه فراموش میکنیم نه میبخشیم. همه مسببین این جنایت و سایر جنایات حکومت اسلامی را به دادگاه خواهیم کشاند. در اصغر کریمی

ادامه مدیای اجتماعی حزب از صفحه ۸

حکومت اسلامی، جوانان جامعه تنها به جرم بوسیدن رقصیدن و برداشتن حجاب از سر و مطالبه یک زندگی انسانی، در زندان ها به سر می برند که این خود یکی از مکانیزم های سرکوب توسط جمهوری اسلامی برای ایجاد رعب و وحشت در جامعه است. انقلاب زنانه هر گونه فشار و بازداشت و شکنجه و حکم حبس برای تمام جوانانی که خواهان یک زندگی شایسته انسان قرن و بیست و یکمی هستند را محکوم کرده و ضمن خواست آزادی فوری و بی قید و شرط علی جابلقی، خواهان توقف همه مراحل و روند های قضایی و پیگرد قانونی علیه وی است. در همبستگی با همه جوانان حق خواه و طرفدار فرهنگ مدرن و انسانی، در حمایت از عشق ورزیدن لازم است در شبکه های اجتماعی با اعلام "پارکور جرم نیست"، "بوسیدن

جرم نیست" به جمهوری اسلامی برای سرکوب جوانان اعتراض کرد و با انتشار وسیع تصاویری از بوسه و عشق ورزیدن، بعنوان بخش مهمی از فرهنگ انسانی و مدرن، پاسخ جمهوری اسلامی که فرهنگ عزا و غم و سیاهی و خشونت از مختصات آنست را داد. این وضعیت باید خاتمه یابد، برای این امر تلاش و مبارزه متشکل و جمعی ما برای سرنگونی جمهوری اسلامی که اولین گام رهایی میلیونها جوان از قید و بندهای مذهبی و سنت زده و از سرکوبهای سازماندهی شده حکومتی است، باید قویتر، وسیعتر، سازماندهی شده تر، و نیز فریاد اعتراضمان بلندتر شود.

انقلاب زنانه

۱۷ دی ۹۹

۶ ژانویه ۲۰۲۱

اطلاعیه های حزب

گزارشی از دو مراسم باشکوه خانواده های جانباختگان پرواز اوکراین در تهران

همزمان با سالروز شلیک موشک سپاه پاسداران به پرواز اوکراین در ساعت ۶ و ۱۹ دقیقه صبح ۱۸ دی ۹۸، جمع کثیری از خانواده های جانباختگان طبق نقشه قبلی در فرودگاه خمینی در تهران تجمع کردند و مراسم سالگرد عزیزانشان را با گذاشتن عکس آنها و شمع و گل و پوستر برگزار کردند. سپس در حالیکه چراغ های ماشین های خود را روشن کرده بودند بطرف محل سقوط هواپیما در شاهدشهر حرکت کردند، مانع نیروهای سرکوب حکومت را عقب راندند و مراسم بزرگ و باشکوهی نیز در این محل برپا کردند. سخنرانان این دو مراسم عاملان این جنایت را محکوم کردند، مرگ بر کلیه جنایتکاران گفتند و خواهان دادخواهی شدند.

ابتدا جمع کثیری از خانواده های جانباخته در فرودگاه خمینی تهران تجمع کردند، عکس ۱۷۶ عزیز خود را همراه با پوسترهای آنان روی دیوار فرودگاه نصب کردند، دو نفر از اعضای خانواده ها سخنرانی کردند و اعلام کردند که

فراموش میکنیم» روی آنها نوشته نوشته شده بود، راهمراه با پوسترهایی که با گل تزئین شده بود، روی زمین و دیوار محل نصب کردند و با موزیک و سخنرانی و شعار دادن مراسم باشکوه خود را به یاد عزیزان خود برگزار کردند. در این برنامه که دو ساعت به طول انجامید، سه نفر از اعضای خانواده های جانباخته سخنرانی کردند، مسبب این جنایت را محکوم کردند و خواهان محاکمه آنها شدند. همان جنایتکارانی که نقشه عامدانه شلیک موشک به هواپیما را کشیده بودند، اینجا نیز نقشه کشیده بودند که جلو مراسم را بگیرند اما تودهنی بزرگی خوردند و خانواده ها برنامه خود را که به نحو احسن سازماندهی شده بود در مقابل چشمان نیروی سرکوب حکومت به اجرا در آوردند.

حزب کمونیست کارگری به خانواده های شجاع

جانباختگان پرواز اوکراین درود میفرستد و یاد عزیزان جانباخته را گرامی میدارد. این مراسم ها عزم جامعه ای را نشان میدهد که خواهان دادخواهی است و هیچکس شکی ندارد که این حکومت را سرنگون میکنیم و تک تک آمرین و عاملین این جنایت، از سلامی فرمانده سپاه، حاجی زاده فرمانده هوا و فضای سپاه، شمعانی دبیر شورای عالی امنیت ملی، خامنه ای که سازماندهی این جنایت بدون هیچ تردیدی بدون موافقت او انجام نمیشد، ظریف و روحانی که سه روز تلاش کردند این جنایت را مخفی کنند، رئیس هیئت مدیره و آزار و تهدید خانواده ها را صادر کرد و مقاماتی که در از بین بردن شواهد و تحویل ندادن بموقع جعبه سیاه نقش داشته اند، را در دادگاه های علنی محاکمه خواهیم کرد.

جمهوری اسلامی که جنایت شلیک موشک به هواپیمای مسافربری را در اوج بحران و درماندگی خود و با نقشه ای عامدانه انجام داد تصور میکرد ورق را برای چند روز به نفع خود برمیگرداند اما در این تلاش کتیفش ناکام ماند و کل جامعه ایران را دادخواه کرد. بحران داخلی و بین المللی جمهوری اسلامی با این جنایت تشدید شد و خشم و نفرت عمومی و عزم مردم برای سرنگونی مشتی جنایتکار و دزد و فاسد بیش از پیش زنانه کشید. روزی که با سرنگونی جمهوری اسلامی سران

حکومت به دادگاه کشانده میشوند روز بزرگی در تاریخ رهایی نه تنها مردم ایران که کل بشریت خواهد بود.

زنده باد خانواده های جانباختگان پرواز اوکراین زنده باد جنبش دادخواهی

حزب کمونیست کارگری ایران ۱۸ دی ۱۳۹۹، ۷ ژانویه ۲۰۲۱

تجمع کارگران نیشکر هفت تپه در دفاع از نمایندگانشان

فردا در اعتراض به شورای اسلامی کارگران تجمع خواهند کرد

امروز هیجدهم دیماه کارگران نیشکر هفت تپه در حمایت از نمایندگان کارگری و مخصوصا ابراهیم عباسی مقابل دفتر مدیریت تجمع کرده و نسبت به فشارهای امنیتی بر روی آنان و تهدید به اخراج و احضار، صدای اعتراضشان را بلند کردند. در این تجمع بهمن یوسفی یکی از نمایندگان کارگران سخنرانی کرد و اعلام کرد که همه کارگران در برابر این تهدیدات و در دفاع از همکارانشان و مشخصا ابراهیم عباسی که توطئه گرانه قصد اخراجش را دارند، متحدانه خواهند ایستاد. دست کاری تایم شیت ها و محاسبه نکردن یا کاهش مرتب اضافه کاری در فیش های حقوقی، انحلال بخش ها و پراکنده کردن کارگران در قسمتهای مختلف، پرونده سازیها و شکایت از فعالین کارگری به مراجع قضایی، توطئه گری برای اخراج نمایندگان کارگران نمونه هایی از این فشارهاست. که کارگران به آن اعتراض داشته و در مقابل آن ایستاده اند. خصوصا در مورد ابراهیم عباسی یکی از نمایندگان کارگران جدا از کسر حقوق و اضافه کاری وی، او را از بخش تجهیزات مکانیکی به تاکستان انتقال داده اند. این درحالیست که کار جدید هیچ تناسبی با تخصص وی ندارد. اما ابراهیم عباسی حاضر به قبول این انتقال نشده و در محل کار سابقش به کار ادامه داده است. اما برای وی مرتبا غیبت کاری رد میکنند.

بدین ترتیب مقامات هفت تپه توطئه اخراج وی را دنبال

میکند و کارگران اعلام کرده اند که اجازه نخواهند داد.

بنا بر خبر بخشی از فشار بر روی کارگران از سوی کمیته انضباطی صورت میگیرد. در این کمیته افرادی چون جلیل احمدی، علی بنی سعد، مهدی شلاکه و سعید الکثیر از اعضای شورای اسلامی در همدستی با باند اسد بیگی مشغول جاسوسی علیه کارگران و فشار بر روی آنان هستند. در این رابطه کارگران نیشکر هفت تپه برای فردا ۱۹ دی به تجمع علیه شورای اسلامی فراخوان داده اند. کارگران نیشکر هفت تپه قبلا با رای بسیار بالا حکم به انحلال شوراهای اسلامی داده و آنها را کنار زدند و با اتکاء به تصمیم گیری متحدانه شورایی مبارزات قدرتمند تا کنونی خود را به جلو برده اند. با تحرکات جدید شورای اسلامی و عناصر مزدور آن و کمیته انضباطی، فردا بار دیگر این کارگران جمع خواهند شد و خواستار جمع شدن بساط شوراهای اسلامی از این شرکت هستند.

کارگران میگویند همانطور که توانستند اخراج پانزده همکار اخراجی خود را که با توطئه اسدبیگی و آمیلی و با کمک استاندار برنامه ریزی شده بود خنثی کنند و آنها را سر کار بازگردانند، همانطور که توانستند کاری کنند که پرونده این کارگران که از سوی کارفرما به دادگاه شوش داده شده بود، کنار گذاشته شود و زیر فشار اعتراض آنان از همکارانشان رد اتهام شد، اکنون نیز جلوی همه این توطئه گریها قاطعانه خواهند ایستاد. کارگران اولتیماتوم داده و اعلام کرده اند که به اذیت و آزار ابراهیم عباسی و دیگر فعالین باید خاتمه داده شود و وگرنه مسئولیت و عواقب این اقدامات تماما بعهده مقامات و مسئولینی است که عملا دارند تنش ایجاد میکنند.

از مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه وسیعا حمایت کنیم و صدای آنها را همه جا بازتاب دهیم. زنده باد هفت تپه سنگر مهم جنبش کارگری

پیش بسوی اعتصابات سراسری

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۸ دی ۱۳۹۹، ۷ ژانویه ۲۰۲۰



زنده باد شورا!

سایت حزب کمونیست کارگری ایران
www.wpiran.org

صندوق تامین اجتماعی است. یک خواست اعتراضی بازنشستگان در تجمعاتشان درمان رایگان بوده است. خواسته های بازنشستگان؛ متناسب سازی عادلانه حقوق، پرداخت بدهی دولت به سازمان تامین اجتماعی و افزایش مستمری به میزان هزینه های زندگی است.

روز شنبه ۱۳ دی ماه کارگران کارخانه حریر خوزستان در اعتراض به عدم تحقق وعده های مقامات در خصوص رسیدگی به مشکلات این کارخانه و نیز عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل دست به تجمع زدند. کارگران می گویند چهار سال است که مدیرعامل شستا، سهامداران و مقامات استان وعده رفع مشکلات را می دهند اما اقدامی صورت نگرفته است.

کمیته سازمانده - واحد
خوزستان

۱۶ دی ۹۹، ۵ ژانویه ۲۰۲۱

کردند. در این تجمع اعتراضی، پرستاران پلاکاردهایی در دست داشتند که بر روی آنها نوشته شده بود: « ما کادر درمان از جان مان می گذریم، آنها از حقوق مان»، « به مشکلات پرستاران رسیدگی شود، « اعتراض داریم». پرستاران و کادر درمان با شعار «خط فقر ۱۰ میلیون، حقوق ما ۳ میلیون» اعتراض خود به دستمزدهای پایین و زیر خط فقر را نشان دادند.

روز یکشنبه ۱۴ دی ماه تجمعات اعتراضی بازنشستگان تامین اجتماعی در یازده استان برگزار شد. در استان خوزستان این تجمع ها در شهرهای اهواز، شوش و هفت تپه بر پا شد. بازنشستگان ضمن حمل پلاکاردهایی شعار می دادند: «قط کف خیابون، بدست میاد حقمون»، «کشتی بازنشسته، دیگر به گل نشسته». اعتراض آنان به حقوقهای چند بار زیر خط فقر و کاهش هر روزه قدرت خریدشان، و دزدی ها و اختلاسها خصوصا در

بخاطر نقض پایه ای ترین حقوق کارگران، حق تشکل، حق تجمع و حق اعتراض و کنوانسیون های آی ال او و بخاطر جاری کردن احکام شنیع شلاق و زندان در قبال کارگران از سازمان جهانی کار و همه نهادهای بین المللی طرد شود.

کمپین برای آزادی کارگران
زندانی

۱۴ دی ۹۹، ۳ ژانویه ۲۰۲۱

اخباری از اعتراضات کارگری در شهرهای مختلف خوزستان

اعتراضات کارگری در سطح جامعه گسترش می یابد. یک مرکز مهم این اعتراضات خوزستان است. اخباری از این اعتراضات به قرار زیر است:

روز ۱۶ دی جوانان جویای کار روستای شهریوی بار دیگر در اعتراض به بیکاری و پارتی بازی در استخدام ها و با خواست اشتغال به کار در مقابل درب کمپ مهندسی پالایشگاه پید بلند ۲ تجمع کردند. در این تجمع شماری از خانواده های این جوانان نیز حضور داشتند. دولت در قبال معیشت همه مردم مسئول است. بیمه بیکاری مکفی و در حد داشتن یک زندگی قابل قبول برای همه کارگران بیکار اعم از زن و مردم حق پایه ای مردم است. درمان رایگان برای همه، تحصیل رایگان برای همه کودکان و برخورداری از مسکن حق مسلم همه مردم است.

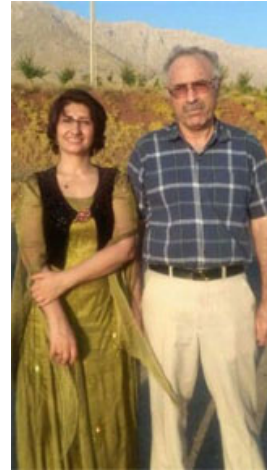
روز ۱۵ دی کارگران شرکت نوید زر شیمی درماهشهر در اعتراض به پرداخت نشدن حقوقشان دست به اعتصاب زده و مقابل شرکت تجمع کردند و بخاطر بالا کشیدن حقوقهایشان از ورود مدیر عامل شرکت به دفترش جلوگیری کردند. کارگران خواستار پرداخت فوری طلبهایشان هستند.

روز دوشنبه ۱۵ دی شماری از پرستاران بیمارستان های اهواز و چند شهر دیگر خوزستان، در اعتراض به تبعیض در پرداخت حقوق و مزایا، جلوی ساختمان استانداری خوزستان تجمع

ادامه اطلاعاتی های حزب از صفحه ۹

جوانمیر مرادی فعال کارگری بازداشت شد

افسانه عظیم زاده هنوز در زندان است و پروین محمدی به زندان احضار شده است



نه نه جوانمیر و جوانمیر
ها غیر از حق انسانیت
شادی برای خود و تمام
انسانها و یک زندگی
انسانی چیزی دیگر نخواست
و نمی خواهند. و این حق
اونها نبوده و نخواهد بود که
اینچنین در زندان باشند
شلیخه بشن.
فوزیه خالصی

بسر میرید. همچنین پروین محمدی نایب رئیس اتحادیه آزاد کارگران ایران در روز ۲۹ آذر طی ابلاغیه ای برای اجرای حکم غیابی به شعبه ۱۱ اجرای احکام اوین احضار شد. بدون اینکه او از علت این حکم و پرونده تشکیل شده برای خود اطلاعی داشته باشد. علاوه بر پروین محمدی ناهید خداجو عضو دیگر هیات مدیره اتحادیه آزاد با ۶ سال حکم، و نسرين جوادی عضو دیگر این اتحادیه با ۵ سال حکم تحت پیگرد برای دستگیری قرار دارند. حیدر قربانی عضو دیگر

این اتحادیه برای روز ۲۲ دیماه برای محاکمه به دادگاه احضار شده است. بعلاوه جعفر عظیم زاده رئیس هیات مدیره اتحادیه آزاد و شاپور احسانی راد عضو دیگری از هیات مدیره این تشکل کارگری در زندانند. جعفر عظیم زاده ۵ سال حکم داشت و جمهوری اسلامی برای جلوگیری از آزادی او با یک محاکمه فرمایشی و سریع دیگر در خرداد ماه امسال وی را به ۱۳ ماه دیگر زندان محکوم کرد. حکم شاپور احسانی راد نیز ۶ سال است.

با اعتراضی گسترده باید در مقابل این تعرضات و دستگیریها و احضارها ایستاد. پرونده های امنیتی تشکیل شده برای کارگران زندانی، معلمان دربند و تمامی زندانیان سیاسی باید فوراً بسته شود. تمامی زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند. جمهوری اسلامی باید به عنوان یک عضو سازمان جهانی کار و

ساعت ۹ صبح روز ۱۴ دی طی تماس تلفنی با جوانمیر مرادی خواهان کار تعمیر برق سوله ایی میشوند و جوانمیر بدلیل بیکاری میپذیرد. اما بعد از مراجعه مامورین اطلاعاتی رژیم او را دستگیر کردند. بعد از آن چند نفر از ماموران اطلاعاتی همراه جوانمیر به منزل او رفته و منزل وی را مورد تفتیش قرار دادند. اما در نهایت هیچ چیزی از خانه او بدست نیآورده و جوانمیر را دستبند زده و با خود بردند. و خبری از محل نگهداری وی نیست.

جوانمیر مرادی از چهره های شاخص جنبش کارگری و عضو هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران و عضو انجمن صنفی کارگران برق و فلز کار کرمانشاه است. او همواره صدای اعتراض کارگران و مردم معترض علیه فقر، گرانی و سرکوبگری های حکومت بوده است. او از چهره های برجسته اول ماه مه بوده و بارها به جرم برگزاری این روز جهانی همبستگی کارگری بازداشت شده است. بازداشت جوانمیر مرادی مصداق واقعی امنیتی کردن مبارزات از سوی جمهوری اسلامی است. جوانمیر مرادی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شود.

جمهوری اسلامی با دستگیری و بازداشت چهره های سرشناس کارگری و جنبش های اجتماعی تلاش دارد اعتراضات کل جامعه را عقب بزند. از جمله افسانه عظیم زاده، فعال حقوق کودکان کار و حقوق زن در ۲۵ آذر بازداشت شد و هنوز در زندان

KANAL DJADID
کانال جدید

فرکانس تلویزیون کانال جدید
ماهواره یاه ست
فرکانس: ۱۱۷۶۶
پولاریزاسیون: عمودی
سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰
اف ای سی: ۷/۸

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سرمدبیر: شهاب پهرامی

ادیتور: کاظم نیکخواه

مسئول فنی: رضا مرادی

anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته جمعه ها منتشر می شود.

ادامه اطلاعیه های حزب از صفحه ۱۰

اعتراض کارگران هپکو، نفت گچساران و پرسنل آوای سلامت اهواز و اصفهان

اعتصاب در معدن فاریاب و شرکت نوید زر شیمی، تجمع جوانان شهرویی و سه خبر دیگر

بعد از هفت تپه نوبت معدن فاریاب است!



کارگران معدن فاریاب کرمان چهار روز است در اعتصاب به سر میبرند. کارگران اعلام کرده اند که تا رسیدن به مطالبات خود به اعتصابشان ادامه میدهند.

وار کاری و یک ماهه شدن آن و نیز اخذ تعهد به عدم اعتراض و دریافت سفته از رانندگان خودروهای سنگین، دست به اعتصاب میزنند. در اعتراضات قبلی این کارگران که در پی مرگ و زخمی شدن چند تن از کارگران در تونل های معدن، انجام شد قرار شده بود شرایط کاری آنها بهتر شود اما به وعده های داده شد عمل نشد.

روز ۱۴ دی کارگران پیمانکاری کشت و صنعت لرستان در اعتراض به قراردادهای حجمی پیمانکاری و با خواست قرارداد مستقیم کاری برای ساعتی دست به اعتصاب زده و در محوطه مجتمع تجمع کردند. کارگران پیمانکاری این مجتمع بزرگ کاری خواستار رفع تبعیض در استخدامها و حقوق برابر در برابر کار برابر و افزایش حقوقها و بهبود شرایط کاری خود هستند.

روز ۱۵ دی کارکنان بیمارستان خمینی در استان البرز با تجمع مقابل ساختمان استانداری خواهان پرداخت حقوق و معوقه های خود شدند. در این حرکت اعتراضی تجمع کنندگان با شعارهایی از جمله «وعده وعید کافی، سفره ما خالی» بر پرداخت فوری طلبهایشان تاکید کردند.

گسترش داد. دولت در قبال معیشت همه مردم مسئول است. بیمه بیکاری مکفی و در حد داشتن یک زندگی قابل قبول برای همه کارگران بیکار اعم از زن و مرد حق پایه ای مردم است. درمان رایگان برای همه، تحصیل رایگان برای همه کودکان و برخورداری از مسکن حق مسلم همه مردم است.

روز ۱۵ دی کارگران شرکت نوید زر شیمی در ماهشهر در اعتراض به پرداخت نشدن حقوقشان دست به اعتصاب زده و مقابل شرکت تجمع کردند و بخاطر بالا کشیدن حقوقهایشان از ورود مدیر عامل شرکت به دفترش جلوگیری کردند. کارگران خواستار پرداخت فوری طلبهایشان هستند.

روز ۱۵ دی در پی اعتراضات دو روزه کارگران معدن آسمنون منوجان جلسه ای با حضور مسئولین شهرستان منوجان، مدیران معدن و نمایندگان کارگران برگزار شد. در این جلسه وعده هایی به کارگران داده شد. اما کارگران که خواست اصلی آنها بی جواب مانده است در تدارک ادامه اعتراضاتشان هستند. این چندمین بار است که کارگران این معدن طی سال جاری در اعتراض به قراردادهای برده

روز ۱۶ دی کارگران معدن فاریاب کرمان در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق و عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، برای سومین روز متوالی دست از کار کشیدند و خواستار جمع شدن بساط چپاول بخش خصوصی از این معدن شدند. کارگران اعلام داشتند که تا رسیدن به مطالبات خود به اعتصابشان ادامه میدهند.

از ساعت ۵ صبح روز ۱۶ دی جوانان جویای کار روستای شهرویی بار دیگر با تجمع در اعتراض به بیکاری و پارتی بازی در استخدام ها و با خواست اشتغال به کار در مقابل درب کمپ مهندسی پالایشگاه بید بلند ۲ تجمع کردند. در این تجمع شماری از خانواده های این جوانان نیز حضور داشتند. بیکاری بیداد میکند و هر روز بر جمعیت بیکار کشور افزوده میشود. این جمعیت عظیم میلیونی بیکار از هیچگونه تأمینی برخوردار نیستند. اعتراضات علیه بیکاری دامنه اش گسترده تر شده و میبرد که به جنبشی سراسری تبدیل شود. در این اعتراضات خواست یا کار یا بیمه بیکاری دارد به بنرهای اعتراضی کارگران بیکار تبدیل میشود. این اعتراضات را باید در همه جا تکثیر کرد و

معوقه خود مقابل ساختمان پست برق پالایشگاه دوازدهم (فاز ۲۲-۲۴) تجمع کردند و خواستار رسیدگی به وضعیت خود شدند.

همانطور که قبلا هم گزارش کرده ایم. اعتراضات در بخش های مختلف مراکز نفت و موسسات وابسته به آن از جمله پتروشیمی ها گسترش می یابد. اکثر این کارگران بخشی از ۲۵۰۰۰ کارگر نفت هستند که در مرداد ماه با طرح خواستهای خود بطور سراسری وارد اعتصاب شدند و امروز به خلف وعده ها اعتراض دارند. افزایش دستمزدها یک محور مهم اعتصابات مردادماه کارگران نفت بود. بعلاوه پرداخت بموقع دستمزدها و پرداخت حقوقهای معوقه، دائمی شدن قراردادهای و جمع شدن بساط پیمانکاران از محیط های کار، پایان دادن به اختلاس ها و پارتی بازی در استخدامها، پایان دادن به اخراجها، اجرای پروتکل های سازمان بهداشت جهانی در مقابله با بیماری مرکبار کرونا، بهبود شرایط زیستی و کاری کارگران و بالاخره اجرایی شدن وعده های داده شده از جمله مطالبات اعلام شده این کارگران است. اخبار اعتراضات کارگران نفت را باید وسیعاً رسانه ای کرد.

روز ۱۵ دیماه کارگران هپکو در اراک صدای اعتراض خود را به وضع بحرانی شرکت و نداشتن امنیت شغلی رسانه ای کردند. این کارگران خواستار تسریع روند تهاوت بدهی های هپکو، راه افتادن چرخهای تولید و امنیت شغلی هستند. در این روز کارگران هپکو بعد از تمام شدن شیفت کاری شان، با نصب یک بنر در محوطه مجتمع، مطالبات خود را بیان کردند و خواستار پاسخگویی مسئولین شدند.

روز ۱۴ دی پرسنل شرکتی آوای سلامت اهواز در اعتراض به عدم استخدام خود و شرایط اسفناک کاری و حقوقهای نازل مقابل استانداری تجمع کردند. در همین رابطه نیروهای شرکتی بخش سلامت در اصفهان نیز مقابل استانداری تجمع داشتند.

روز ۱۴ دی ۳۸۰ کارگر حجمی کار شرکت نفت گچساران در اعتراض به عدم پرداخت چند ماهه حقوق از سوی کارفرما مقابل دفتر مرکزی این شرکت تجمع داشتند. علاوه بر دستمزد هیچ یک از آیتم های مزایای شغلی به آنها پرداخت نشده است. بنا بر خبرهای دریافتی در هفتم دیماه نیز نزدیک به ۶۰ نفر از پرسنل شرکت I.L.D در فاز ۲۲-۲۴ در اعتراض به عدم پرداخت حقوق

دومین تجمع بزرگ و سراسری بازنشستگان تأمین اجتماعی

تجمع بعدی در ۲۱ دیماه برگزار میشود

آنها را همراهی میکردند. شعارهای این روز علیه مقامات مسئول و خلف وعده ها، علیه فقر و گرانی و تبعیض و نابرابری و علیه دزدی ها و اختلاسها بود. بازنشستگان با شعارهای «حقوق ما ریا، هزینه ها دلاری» به کاهش هر روزه قدرت خرید خود اعتراض داشتند. بعلاوه بازنشستگان با شعار «فقط کف خیابان، بدست می آید حقمون»، بر تداوم اعتراضات خود تاکید میکردند. قرار است تجمع بعدی بازنشستگان در ۲۱ دیماه برگزار شود. شعارهای دیگر بازنشستگان در تجمعات اعتراضی این روز عبارت بودند از: فریاد، فریاد، از اینهمه بیداد، حیدری، حیدری، سازمان را رها کن، کشتی بازنشسته دیگر به گل نشسته، سالاری استعفا استعفا، سالاری خجالت خجالت (تهران)، حقوق طبق تورم، خواسته اصلی ما...

ساعت ده و نیم صبح امروز ۱۴ دی ماه بازنشستگان تأمین اجتماعی بنا بر فراخوان از قبل اعلام شده خود در سطح سراسری تجمع کرده و پیگیر مطالباتشان شدند. خبرهای دریافتی از برگزاری این تجمعات در ده استان و در شهرهای تهران، کرج، مشهد، تبریز، شیراز، اصفهان، کرمانشان، اراک، خرم آباد، شوش، هفت تپه، نیشابور، رشت و اهواز گزارش میدهند. این تجمعات در تهران مقابل سازمان تأمین اجتماعی و در شهرستانها مقابل مراکز تأمین اجتماعی برگزار گردیدند. در مشهد بازنشستگان در حرکتی نمادین با پهن کردن سفره خالی صدای اعتراض خود را به چپاولها و فقر بلند کردند. در این روز سخنرانان در مورد سطح نازل حقوقها و فشار سنگین معیشتی بر آنان سخن گفته و تجمع کنندگان با شعارهایشان

جوانمیر مرادی فعال کارگری بازداشت شد!



جوانمیر مرادی از چهره های شاخص جنبش کارگری و عضو هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران و عضو انجمن صنفی کارگران برق و فلز کار کرمانشاه است.

امنیتی تاکید دارد.

پیش بسوی اعتصابات
سراسری
پیش بسوی ایجاد شوراها

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۶ دی ۱۳۹۹، ۵ ژانویه ۲۰۲۱

کارگران و نهادهای اجتماعی خواستار اعتراض به سرکوب گسترده کارگران شده است. حزب کمونیست کارگری ضمن حمایت از فراخوان اتحادیه آزاد کارگران ایران بر آزادی فوری و بدون قید و شرط جوانمیر مرادی و توقف فوری این دستگیری ها و پرونده سازیهای

بازداشت جوانمیر مرادی مصدافی از دستگیری فعالین کارگری با اتهامات امنیتی است. اتحادیه آزاد کارگران ایران ضمن انتشار این خبر دستگیری جوانمیر مرادی را محکوم کرده و خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط وی شده است. اتحادیه آزاد از همه

ادامه اطلاعیه های حزب از صفحه ۱۱

دزدی ها و حرکتی برای دفاع از زندگی انسانی است. این تجمعات در حالی برگزار میشود که بیماری مهلک کرونا شیوع بسیاری دارد و بازنشستگان آسیب پذیرترین بخش اجتماعی در برابر بیماری هستند اما زیر فشار فقر و گرسنگی ناچارند جمع شوند و به دفاع از معیشت و زندگی خود بپردازند. بازنشستگان صدای اعتراض همه مردم هستند و از خواستها و مبارزاتشان باید وسیعا حمایت کرد.

تجمع قبلی بازنشستگان تامین اجتماعی در روز ۲۳ آذر برگزار شد و جمعیت بسیاری در آن شرکت داشتند. در این حرکت اعتراضی بازنشستگان با شعارهایی چون "معیشت، منزلت، حق مسلم ماست"، "یک اختلاس کم بشه، مشکل ما حل میشه"، "حقوق طبق تورم"، "درمان رایگان حق مسلم ماست" فریاد اعتراضشان را بلند کردند. اعتراض بازنشستگان علیه فقر، گرانی، اختلاس ها و

تجمع اعتراضی کارگران پیمانی نفت گچساران و دیگر اعتراضات کارگری

عدم پرداخت مطالبات مزدی چندین ماهه خود، مقابل ساختمان آب و فاضلاب این استان تجمع کردند. کارگران معدن آسمینون منوجان برای چندمین بار طی سال جاری در اعتراض به یک ماهه شدن قراردادهای کاری و اخذ تعهد به عدم اعتراض و دریافت سفته از رانندگان خودروهایی سنگین، دست به اعتصاب زدند و به این شرایط برده وار کاری در محوطه مجتمع معدنی تجمع کردند. بنا بر خبرها در اعتراضات قبلی این کارگران که در پی مرگ و زخمی شدن چند تن از کارگران در تونل های معدن، انجام شد قرار شده بود شرایط کاری آنها بهتر شود اما به وعده های داده شد عمل نشد.

گروهی از نیروهای شرکتی مرکز بهداشت بافق با خواست استخدام رسمی خود و در اعتراض به عدم پرداخت مزایای شغلی و فشار سنگین کاری و وضعیت اسفناک بیمارستانها در مقابل ساختمان فرمانداری این شهر، تجمع کردند.

جوانمیر مرادی عضو هیأت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران و عضو انجمن صنفی برق و فلز کار کرمانشاه توسط مأموران لباس شخصی دستگیر شد. بنا بر خبرمنتشر شده از سوی اتحادیه آزاد کارگران ایران در این روز شخصی به صورت تلفنی از وی برای بازدید و انجام یک پروژه کاری در حومه شهر کرمانشاه دعوت مینماید و هنگام مراجعه جوانمیر به محل مأموران لباس شخصی او را دستگیر کرده و دستبند به دست به منزلش برده و خانه وی را مورد تفتیش قرار دادند و در نهایت جوانمیر را با خود بردند. از محل نگهداری او خبری در دست نیست.

روز یکشنبه ۱۴ دی شماری از کارگران شرکت نفت گچساران در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات مزدی خود در مقابل دفتر مرکزی این شرکت تجمع کردند. این کارگران با پهن کردن سفره خالی اعتراض خود را به تعویق پرداخت دستمزدها و کاهش هر روزه قدرت خریدشان اعلام داشتند.

دستفروشان سنندج، برای دومین روز متوالی در روز یکشنبه در خیابان فردوسی میدان آزادی این شهر تجمع کردند. اعتراض آنان به جلوگیری از ادامه کارشان در خیابان فردوسی است. دستفروشان بخشی از کارگران بیکار هستند که با اندک اندوخته ای دست به این کار زده تا معیشتی برای خود و خانواده شان تامین کنند. دولت در قبال زندگی و معیشت تک تک مردم مسئول است. باید به همه افراد بدون درآمد و کم درآمد حقوق پایه ماهانه در حد یک زندگی قابل قبول پرداخت شود. درمان رایگان برای همه، تحصیل رایگان برای همه کودکان و داشتن مسکن حقوق پایه ای همه مردم است.

جمعی از پرستاران و کارکنان شرکتی حوزه بهداشت دانشگاه علوم پزشکی یزد در اعتراض به عدم تبدیل وضعیت استخدامی آنها به دائمی و تبعیض در پرداخت حقوق و مزایا، بار دیگر در مقابل ساختمان استانداری یزد تجمع کردند.

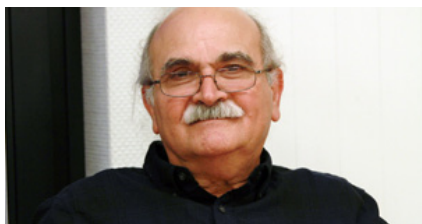
تعدادی از کارگران کشت و صنعت لرستان در اعتراض به عدم پرداخت حق بیمه و قراردادهای موقت برده وار کاری و دیگر مطالباتشان تجمع کردند.

کارگران آبدار آبفای استان کهگیلویه و بویراحمد در اعتراض به بلاتکلیفی شغلی و

در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی و اقتصاد مافیائی
حاکم، غارت و چپاول منابع طبیعی و تخریب محیط
زیست ابعاد بسیار جنایتکارانه ای بخود گرفته است.



انتخاب هیات اجرائی حزب



حمید تقوایی

دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران

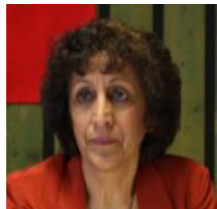
دفتر سیاسی منتخب پلنوم ۵۲ کمیته مرکزی ۱۱ نفر را بعنوان هیات اجرائی حزب انتخاب کرد که عبارتند از: کیان آذر، سیامک بهاری، سیما بهاری، کیوان جاوید، شهلا دانشفر، بهرام سروش، شیرین شمس، حسن صالحی، اصغر کریمی، خلیل کیوان، نسان نودینیان.
هیات اجرائی اصغر کریمی را باتفاق آرا بعنوان رئیس هیات اجرائی حزب برگزید.

حمید تقوایی

دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران
۱۹ دی ۱۳۹۹، ۸ ژانویه ۲۰۲۱



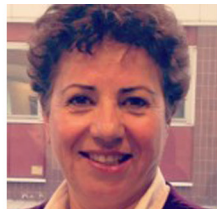
بهرام سروش



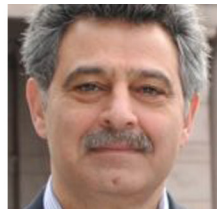
شهلا دانشفر



کیوان جاوید



سیما بهاری



سیامک بهاری



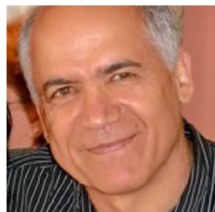
کیان آذر



نسان نودینیان



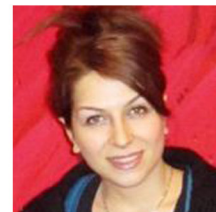
خلیل کیوان



اصغر کریمی



حسن صالحی



شیرین شمس

اعضای دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران

در پلنوم ۵۲ کمیته مرکزی حزب که در روزهای ۲۱ تا ۲۳ آذر ۱۳۹۹ (۱۱ تا ۱۳ دسامبر ۲۰۲۰) برگزار شد حمید تقوایی به عنوان دبیر کمیته مرکزی انتخاب شد. همچنین ۲۶ نفر بعنوان اعضای دفتر سیاسی انتخاب شدند که عبارتند از: کیان آذر، فریده آرمان، محسن ابراهیمی، مینا احدی، عبدالله اسدی، نازنین برومند، سیما بهاری، شهاب بهرامی، آذر پویا، فاتح بهرامی، کیوان جاوید، شهلا دانشفر، بهرام سروش، شیرین شمس، مصطفی صابر، حسن صالحی، جمیل فرزنان، اصغر کریمی، خلیل کیوان، عبدل گلپریان، شیوا محبویی، نسان نودینیان، سمیر نوری، کاظم نیکخواه و بابک یزدی. در اولین نشست دفتر سیاسی مصطفی صابر بعنوان رئیس دفتر سیاسی برگزیده شد.



سیما بهاری



سیامک بهاری



نازنین برومند



عبداله اسدی



مینا احدی



محسن ابراهیمی



فریده آرمان



کیان آذر



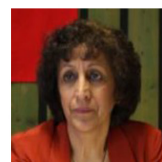
مصطفی صابر



شیرین شمس



بهرام سروش



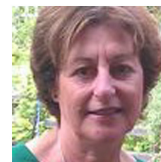
شهلا دانشفر



کیوان جاوید



فاتح بهرامی



آذر پویا



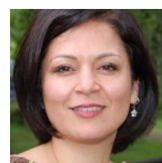
شهاب بهرامی



سمیر نوری



نسان نودینیان



شیوا محبویی



عبدل گلپریان



خلیل کیوان



اصغر کریمی



جمیل فرزنان



حسن صالحی



بابک یزدی



کاظم نیکخواه